

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال چهارم، شماره سی و سوم، فروردین ۹۶

- * دیدار دکتر قبادی با وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
- * دکتر قبادی در جشنواره ملی کتاب اولیاء و مربیان: باید میان تفاوت فرهنگی و شکاف فرهنگی تمایز قائل شویم
- * همایش ملی «اقتصاد مقاومتی؛ پیوند فرهنگ، سیاست و اقتصاد»
- * نخستین همایش «تاریخ، پژوهش و نقد متون»

* نشست‌های علمی:

- «معرفی و نقد کتاب شرح شوق و شرح و تحلیل اشعار حافظ»
- «کتابخوان تخصصی زبان‌شناسی»
- «جایگاه مطالعات قرآنی در تحول علوم انسانی»
- «تاریخ فکری سینمای ایران پیش از انقلاب اسلامی»
- «موسوعة طب الامام علی علیه السلام»
- «روند شاخص‌های جمعیتی و دیدگاه امنیت ملی»
- «تفسیر هرمنوتیک کتاب‌های مقدس (قرآن - انجیل)»
- «تولید فضای تهران پسا انقلابی»
- «بررسی و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۹۶»

* نشست‌های تخصصی:

- صورتجلسه نشست مشترک پژوهشکده ادبیات و اعضای هیأت‌مدیره انجمن «نقد ادبی»
- شورای مشترک پژوهشکده ادبیات و هیأت‌مدیره انجمن «ترویج زبان و ادبیات فارسی»



دیدار دکتر قبادی با وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در روزهای آغازین سال جدید، با دکتر محمد فرهادی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری دیدار کرد. در این دیدار که روز پنجم فروردین ماه برگزار شد، دکتر قبادی ضمن عرض تبریک سال نو و اعلام آمادگی پژوهشگاه برای انجام مأموریت‌های محوله، از توانمندی‌های پژوهشگاه و راهکارهای پیگیری و تحقق شعار سال ۱۳۹۶ (اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال) سخن به میان آورد و به تفصیل با ایشان به بحث و تبادل نظر پرداخت.



تداوم گفتگوهای رئیس پژوهشگاه با دکتر فرهادی درباره جشنواره «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال»

به دنبال پیشنهاد رئیس پژوهشگاه در زمینه برگزاری جشنواره پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در حوزه تولید و اشتغال در دیدار با دکتر فرهادی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و استقبال ایشان از این طرح، جلسه دیگری در روز هفتم فروردین ماه برگزار شد که در آن، دکتر قبادی ضمن تشریح توانایی‌های علمی و پژوهشی پژوهشگاه در حوزه تولید و اشتغال و تبیین ظرفیت‌های پژوهشکده‌های مختلف از جمله پژوهشکده‌های اقتصاد و مدیریت، مطالعات اجتماعی، علوم انسانی کاربردی و به‌ویژه کارگروه کاربست «طرح جامع اعتلا و ساماندهی علوم انسانی مطعوف به پیشرفت کشور» برای پیشبرد این طرح، آمادگی پژوهشگاه برای همکاری با دیگر نهادهای علمی و دانشگاهی کشور را برای هرچه پربارتر برگزار شدن این جشنواره اعلام کرد. در ادامه، دکتر فرهادی ضمن استقبال از محورهای پیشنهادی در این خصوص، این طرح را برای کمک به دولت در زمینه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه تولید و اشتغال عمیقاً سودمند خواند و بر ضرورت همکاری و همیاری دیگر مؤسسات پژوهشی و دانشگاه‌ها با پژوهشگاه تأکید کرد.



عیادت رئیس و اعضای هیأت علمی از دکتر اسماعیل حاکمی

عصر روز چهارشنبه ۱۶ فروردین، دکتر قبادی به همراه جمعی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و سایر شخصیت‌های علمی و دانشگاهی با حضور در منزل آقای دکتر اسماعیل حاکمی، استاد ممتاز دانشگاه تهران و پیشکسوت رشته ادبیات و زبان فارسی از ایشان عیادت کرد. در این دیدار که به مناسبت روزهای آغازین سال ۱۳۹۶، حال و هوایی بهاری داشت و در آن، استادان به گفتگو درباره برکات نوروز و ظرفیت‌های شکوفایی فرهنگ ایرانی پرداختند، حاضران ضمن آرزوی سلامتی برای دکتر حاکمی، از خدمات ایشان به زبان فارسی و تربیت دانشجویان فرهیخته تجلیل کردند.



پیام تبریک رئیس پژوهشگاه به دکتر اشرف بروجردی

سرکار خانم دکتر بروجردی
انتصاب شایسته سرکارعالی به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، همزمان با میلاد مبارک حضرت فاطمه زهرا (س) که نشان از دقت نظر ریاست محترم جمهوری در تکریم جایگاه زنان و باور به توانمندی‌های آنان دارد، مایه افتخار و خرسندی است.
سرکار از جمله شخصیت‌های متعهدی هستید که با کارنامه درخشان علمی و فرهنگی، همواره در میان دانشمندان و فرهیختگان مورد توجه و احترام بوده‌اید و اینجانب یقین دارم که در این جایگاه نیز در گسترش و تعمیق وفاق و همدلی علمی و پژوهشی در کشور نقشی مؤثر ایفا می‌کنید.
اینجانب به نمایندگی از سوی همکاران شما در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن تبریک این انتصاب، بر آمادگی پژوهشگاه برای هر نوع همکاری در جهت اعتلای فرهنگ کتابخوانی و حفاظت از میراث مکتوب علمی و تاریخی کشور تأکید می‌کنم.
دوام توفیق سرکارعالی را از خداوند متعال مسألت دارم.

تکیه بر خدا و توفیق از اوست
حسینعلی قبادی
رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اعطای نشان درجه یک هنری به دکتر فاطمه راکعی

در مراسم پایانی یازدهمین جشنواره شعر فجر، نشان درجه یک هنری، توسط سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، به دکتر فاطمه راکعی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تقدیم شد.



جناب آقای مرتضی اخباری

مصیبت وارده درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان، برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

سرکار خانم فائزه توکلی

مصیبت وارده درگذشت برادر بزرگوارتان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان، برای آن مرحوم علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

جناب آقای محسن شیردل

مصیبت وارده درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان، برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

سرکار خانم الهام رضائزاد

مصیبت وارده درگذشت مادرگرامیتان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان، برای آن مرحومه علو درجات و برای سرکارعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.



قدردانی از خانواده شهدا در روز بزرگداشت مقام شهدا

به مناسبت روز بزرگداشت شهدا و سالروز تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی، دکتر قبادی سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در مراسمی با حضور اعضای هیأت رئیسه، از خانواده‌های شهدای پژوهشگاه قدردانی کرد. در ابتدای این مراسم که فضای معنوی خاصی بر آن حاکم بود، دکتر قبادی با یادآوری کلام امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه «خانواده‌های شهدا چشم و چراغ ملت هستند»، از همکاران ایثارگر خواست با ذکر خاطراتی از شهدای خانواده خویش، حاضران را محظوظ کنند. در ادامه، هر یک از اعضای خانواده‌های شهداء با ذکر خاطراتی از آن عزیزان سفر کرده، از دغدغه‌های خود در زمینه پاسداری از خون آنها سخن گفتند.



دکتر قبادی در جشنواره ملی کتاب اولیاء و مربیان:

باید میان تفاوت فرهنگی و شکاف فرهنگی تمایز قائل شویم

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در جشنواره ملی کتاب اولیاء و مربیان که در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران برگزار شد، پس از درود و سلام به روح قدسی بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س) گفت: «به دلیل علایق شخصی و سازمانی به «آموزش و پرورش» نکاتی را در اولین جشنواره ملی کتاب اولیاء و مربیان مطرح می‌کنم. اعتراف می‌کنم همه ما در چند دهه گذشته مرتکب اشتباهاتی شدیم و آن در نظر نگرفتن عاطفه‌ها و نیازهای درونی فرزندانمان بود که باید با آگاهی بیشتر خانواده‌های ما این خطر رفع شود.»



دکتر قبادی افزود: آموزش و پرورش باید با توجه به نیازهای خانواده‌های مناطق مختلف در حوزه‌های گوناگون عاطفی، معنوی و اقتصادی با کمک مؤسسات مردم نهاد امکانات را برای توانا کردن خانواده‌ها فراهم کند. خانواده‌ها نیازمند آموزش و پرورش هستند، باید در نظر داشته باشیم وظایف و نیاز ما در حوزه خانواده شکل می‌گیرد.

مدرس و استاد دانشگاه تربیت مدرس بیان کرد: باید میان تفاوت فرهنگی و شکاف فرهنگی تمایز قائل شویم و متأسفانه امروز باعث گسست فرهنگی در میان خانواده‌ها شده‌ایم که تنها جلوگیری از این گسست‌ها همکاری اولیاء و مربیان با مسئولان مدرسه است. متأسفانه پس از انقلاب اسلامی ما دچار دو گسست شده‌ایم؛ یک گسست افقی (هویتی) بین نسل‌های انقلاب و دیگری گسست عمودی میان والدین و فرزندان. ما باید این گسست‌ها را با روش‌های کارشناسی پر کنیم.

وی همچنین عنوان کرد: برخی روال‌های آموزشی و درس‌ها خود به خود به عذاب و شکنجه برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان تبدیل می‌شود که این عنصری نامطلوب برای دانش‌آموزان است و درس‌ها و روال‌های آموزشی باید حلقه‌های واسطه بین اولیاء و مربیان باشد. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی افزود: ما برای این که بتوانیم فرزندان خلاق، اخلاقی و معنوی تربیت کنیم نیاز به نهضت داستان و رمان خوانی داریم. تقویت داستان خوانی باید به یک جریان‌سازی و شبکه ارتباطی بین اولیاء و مربیان تبدیل شود که در این صورت، درس‌های عذاب‌آوری مانند دیکته غیر لازم یا تعدیل می‌شود و فهم فرهنگی کودکان بالا می‌رود.



همایش ملی «اقتصاد مقاومتی؛ پیوند فرهنگ، سیاست و اقتصاد»



همایش ملی «اقتصاد مقاومتی؛ پیوند فرهنگ، سیاست و اقتصاد» چهارم اسفندماه ۹۵ با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سالن همایش‌های صدا و سیما برگزار شد.

در ابتدای این همایش دکتر موسی نجفی، رئیس همایش ملی اقتصاد مقاومتی پس از تشریح اهداف و برنامه‌های همایش گفت: بعد از آن که مقام معظم رهبری امسال را سال اقتصاد مقاومتی نامگذاری کردند، دیدیم که اکثر اوقات نامگذاری‌ها فقط با حمایت‌های مسئولین حکومتی و نهادهای رسمی همراه بوده، از این رو تصمیم گرفتیم نگذاریم چنین بحث مهمی محدود به بیانیه‌های رسمی حکومت و دولت باشد.

در ادامه سایر سخنرانان از دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی مختلف از زوایای متعددی درباره اقتصاد مقاومتی دیدگاه‌های خود را بیان کردند. در پایان جوایز نفرت برتر اهداء شد که در این بخش دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه، حجت الاسلام والمسلمین غلامی، رئیس شورای سیاست‌گذاری همایش ملی «اقتصاد مقاومتی؛ پیوند فرهنگ، سیاست و اقتصاد»، دکتر نجفی و دکتر پیغامی، استاد دانشگاه امام صادق(ع) جوایز و هدایای برگزیدگان را اهداء کردند. یادآوری می‌شود نشست‌های تخصصی این همایش در نوبت بعدازظهر نیز ادامه داشت.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و رئیس پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی تأکید کرد: برای اینکه اندیشه اقتصاد مقاومتی وارد زندگی روزمره مردم شود چند اقدام ضروری است؛ فرهنگ‌سازی، مقدس‌سازی و بهره‌گیری هنر. دکتر نجفی یادآور شد: ما در مقام دستورالعمل نیستیم اما می‌توانیم در خصوص موضوع اقتصاد مقاومتی طرح مسأله کرده و آسیب‌شناسی کنیم، با اینکه آخر سال است ولی این بحث می‌تواند بحث دهه‌های آینده کشور ما باشد، چرا که این مسأله تداوم دارد.



نخستین همایش «تاریخ، پژوهش و نقد متون»

نخستین همایش «تاریخ، پژوهش و نقد متون» توسط شورای بررسی متون و آثار کتب علوم انسانی و پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با مشارکت انجمن ایرانی تاریخ در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۵ در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی با استقبال مشتاقانه استادان، دانشجویان، معلمان و علاقه‌مندان تاریخ برگزار شد. در این همایش پیشکسوتانی چون دکتر رضا شعبانی، دکتر الهیار خلعتبری، دکتر محمدتقی امامی خویی، دکتر علاءالدین آذری، دکتر جمشید آزادگان و نیز استادان دانشگاه‌های مختلف از جمله دکتر عطاءالله حسنی، دکتر حضرتی، دکتر جان‌الله کریمی‌مطهر، دکتر شهرام یوسفی‌فر، دکتر یلفانی و... در فضایی صمیمی و پرشور و در برخی موارد چالشی برگزار شد.



پس از تلاوت آیات کلام‌الله مجید و سرود ملی جمهوری اسلامی ایران، نخست دبیر علمی همایش، دکتر علیرضا ملایی‌توانی، به‌عنوان خوش‌آمدگویی به میهمانان و بیان اهداف و ضرورت تشکیل این همایش پرداختند. ایشان با اشاره به تولید متون و کتاب‌های گوناگون در داخل و خارج کشور و استفاده‌ای که همه اهل تاریخ از این کتاب‌ها می‌کنند اشاره کردند؛ اما در کنار ارج نهادن بر این تحقیقات بر یک نکته مغفول یا کمتر پرداخته‌شده انگشت گذاشتند که جای خالی نقد و نقادی آثار تاریخی است. به گفته ایشان نقد شاید گزنده و تلخ باشد، اما برای استمرار حیات علمی گریزی از جا افتادن سنت نقد و نقادی نیست. ایشان همگان را به رویکرد انتقادی تشویق کردند و به این نکته اشاره کردند که در این همایش برای جدی‌تر بودن کار، به کتب مطرح در حوزه دانشگاهی پرداخته خواهد شد. در ادامه، ایشان به سؤالات اساسی پرداختند مانند اینکه تاکنون در تدوین متون چه مسیری پیموده‌ایم؟ آیا توانسته‌ایم افق‌های جدیدی بر روی تحقیقات

جدیدتر بازکنیم؟ و این که آیا نیاز به فراتر رفتن از گذشته وجود دارد و آیا برای این گذار تدارکات لازم اندیشیده شده است؟ به باور ایشان ریشه گرفتن رویکرد انتقادی در یافتن پاسخ این پرسش‌های اساسی لازم و ضروری است. ایشان در پایان مباحث خود بر لزوم ایجاد فرصت‌های برابر و فضایی رقابت‌پذیر برای همه پژوهشگران برای پآگیری رویکرد نقادانه تأکید کردند و نقد را لازمه پویایی تفکر و تحمل همدیگر دانستند. همچنین تاریخ را علمی انتقادی و در خدمت روشنگری و نه صرفاً امری بوروکراتیک دانستند که وظیفه بازاندیشی تجربه زیسته و تعمق در عقب‌ماندگی‌ها را بر اساس رویکردی انتقادی بر عهده دارد. در واقع هدف اساسی این همایش وارد شدن به همین حیطه‌های نو و گشودن افق‌های تازه برای گذار از وضعیت کنونی است. درنهایت ایشان از همه مسئولان و اساتید و دانشجویان حاضر در همایش تقدیر و قدردانی کردند.

پنل اول همایش: (مباحث نظری و بنیادین)

در ابتدای این پنل دکتر خلعتبری با زنده کردن یاد دکتر باستانی پاریزی به مواردی تأکید کردند که آن مرحوم بر آن تأکید داشت و آن سنت خود مشتمالی مورخ و تاریخ‌پژوه است. این حرف درواقع تأکید بر همان سنت نقادی و خود انتقادی بود که با این تعبیر بیان می‌کردند. دکتر خلعتبری سپس بر نقش استاد و دانشجو در پآگیری نقادی تأکید کردند و وظیفه استاد را ابتدا خود مشتمالی و سپس مشتمال دانشجو به‌ویژه دانشجوی ارشد و دکتری دانستند. ایشان به خطرات فضای مجازی و اینترنت برای سهل‌الوصول کردن اطلاعات و اینکه این فضا به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند جایگزین کتاب و منابع اصلی شود و بر لزوم جذب نیروهای علاقه‌مند و دغدغه‌مندتر در فضاهای دانشگاهی تأکید کردند. سپس ایشان سخنرانان پنل را برای ارائه کار و شروع برنامه دعوت کردند.

دکتر یعقوب خزایی (استادیار دانشگاه بین‌المللی قزوین): نخستین سخنران پنل اول همایش با عنوان نقد سه اثر روش تحقیق در ایران بودند که به آثار سه مؤلف روش تحقیق، علیرضا ملایی‌توانی، حسن حضرتی و قائم مقامی پرداختند. به باور ایشان هر سه اثری که ایشان با درجات مختلف در یک قالب قرار می‌دهد پوزیتیویستی هستند و از این سنت و مشکلات این رویکرد رنج می‌برند. ایشان سپس به تبعات این سنت بر اهل تاریخ پرداختند و غلبه روش‌شناسی علوم طبیعی بر علوم انسانی را مؤلفه اساسی این رویکرد مطرح کردند. در نظر ایشان این رویکرد در تاریخ به سمت فکت‌محوری می‌رود و به‌نوعی آفت است. به باور او تاریخ همان قدر که از فکت کمک می‌گیرد از چیزی که دلتای همدلی و یا هابرماس کنش ارتباطی می‌نامد نیز یاری می‌گیرد و به‌جای اصل تجاهل باید با این نگاه همدلانه به





تاریخ نظر کرد. در نهایت به باور ایشان ریشه گرفتن سنت نقد کاربست نظریه در تاریخ و به رسمیت شناختن سوژگی (مورخ) ما را به سمت نوعی دریافت متفکرانه‌تر و عالمانه‌تر از تاریخ رهنمون می‌کند.

دکتر امیرحسین حاتمی؛ استادیار دانشگاه بین‌المللی قزوین، سخنران بعدی بودند که موضوع خود را در باب نقد پژوهش‌های هرمنوتیکی پست مدرنیستی ایراد کردند. ایشان رویکرد هرمنوتیکی و پست‌مدرن را بلای جان تاریخ دانستند. به باور ایشان آنچه هیدن وایت و انکر اسمیت در چرخش زبانی مطرح می‌کنند و با تأکید بر بلاغت و نزدیک شدن تاریخ به ادبیات و فاصله گرفتن تاریخ از تبیین علی پس از سال ۱۹۷۰ در غرب رواج

یافت و این برداشت در قالب ترجمه و تألیف افرادی مانند جنکینز، پل ریکور و بابک احمدی جای پای خود را در ایران نیز باز کرد. باورهایی مانند ساخته‌شدن تاریخ توسط مورخ، متفاوت بودن گذشته و تاریخ، اصل یک گذشته تاریخ‌های بسیار، عدم وجود و واقعیت جهان شمول، کاملاً تأویلی بودن تاریخ، فروریختن مرزهای تاریخ و داستان، باورهایی بود که زیر پای همه بنیادها را خالی کرد و شکاکیت و نسبیت را به ارمغان آورد؛ اما به باور ایشان این اندیشه دچار تناقض است. یکی از این تناقضات اساسی به باور ایشان تبدیل شدن تاریخ‌باوری یا نسبیت‌گرایی به یک فرا روایت است؛ یعنی درحالی‌که پست‌مدرنیسم منکر هر فراروایتی است برداشت خودش تبدیل به نوعی فرا روایت می‌شود.

دکتر ابوالفضل رضوی، دانشیار دانشگاه خوارزمی با عنوان «جایگاه مسئله در پژوهش‌های تاریخی» سومین سخنران پنل نخست بودند. ایشان در ابتدا با گلایه‌ای بحث خود را شروع کردند. سخن دکتر زیباکلام در عدم امکان عبرت‌آموزی از تاریخ را مثال آوردند و به عدم واکنش اهل تاریخ در دفاع از این رشته ایراد وارد دانستند. کارآمدی دانش تاریخ را بدون نقادی امکان‌ناپذیر دانستند. به باور ایشان ما تاکنون در مورد روش پژوهش طرح بحث کرده‌ایم، اما اینکه در پایان‌نامه و کتاب چگونه عملیاتی شود بحث نکرده‌ایم. چگونه به محقق مسئله نوشتن بیاموزیم سؤالی اساسی است. ایشان سپس بین تاریخ‌شناس که در فضای گفتمانی زمان حال و مورخ که در فضای گفتمانی زمان گذشته فعالیت می‌کنند تفاوت قائل شد. به باور ایشان مسئله دغدغه اساسی مورخ است که از دل موضوع بیرون می‌آید و دو وجه چگونگی و چرایی در آن مطرح است و اینکه این دو وجه را چگونه بتوانیم به هم ربط دهیم. وجه چرایی به باور ایشان وجه متمایز اصلی است. در نهایت ایشان گذشته (پوزیتیویست‌ها) را ناتوان از پرداختن و طرح مسئله دانستند. تاریخ‌نگار مسئله محور به باور ایشان از امروز به گذشته می‌نگرد و کارآمدی تاریخ نیز در همین نکته است.

دکتر قباد منصور بخت؛ دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، آخرین سخنران این پنل بودند که عنوان سخنرانی‌شان «بحران ماهیتی



و مفهومی در تاریخ‌پژوهی جدید» بود. به باور ایشان تاریخ معاصر ایران تاریخ بحران است و بحران تاریخ‌پژوهی ایران یک شق این بحران است. این بحران نتیجه برخورد با غرب و شکست و مغلوب شدن در برابر تمدن جدید است. ما به نوعی در حل این مسئله ناتوانیم. هم در عرصه تاریخ و هم در کل علوم انسانی به صورت عام. به باور ایشان این برخورد سبب بریده شدن ما از سنت‌های قدیمی و آشنایی معیوب با دنیای جدید است که توان فهم آن را نداریم. این به یک توهم انجامیده است و آن توهم فهم تاریخ‌های قدیم در میان مورخان جدید و رد

و تکذیب آن، بدون فهم بنیادهای آن نوع تاریخ‌نگاری (مثال فریدون آدمیت) است. در کل در نظر ایشان دچار بحران درک شده‌ایم،

زیرا تاریخ‌نگاری جدید اروپایی خود امری تاریخی است درحالی‌که ما درکی انتزاعی از آن داریم. به باور ایشان نتیجه گسست از گذشته و فهم انتزاعی سنت تاریخ‌نگاری غربی سبب ادامه مواجهه معیوب ما شده است و ما را با بحران ماهیت تاریخ، بحران مفهوم تاریخ، بحران نسبت ما با تاریخ و کارکرد تاریخ، مواجه ساخته است.

موضوع سخنرانی دکتر مجتبی خلیفه، استادیار دانشگاه بیرجند، «آسیب‌شناسی پژوهش‌های جمعی در ایران» بود که به دلیل ضیق وقت از پنل نخست به ابتدای پنل دوم منتقل شد. ایشان با این سؤال بحث خود را آغاز کردند که چرا مطالعات جمعی در ایران کمتر مورد توجه بوده است. سپس به سابقه یک‌صد ساله آکادمی تاریخ در ایران اشاره کردند و افزودند که با توجه به نیازهای دوران گذشته کتاب‌هایی در این رشته تألیف شده ولی این نیازها به‌روز نشده و همان دید گذشته تداوم داشته است. ایشان سپس به آسیب‌شناسی مطالعات جمعی در ایران پرداختند و یکی از دلایل این ضعف را آموزش محور بودن این رشته در دانشگاه دانستند که با مرور زمان این روند تشدید شده است. جدی نگرفتن تخصص‌گرایی را نیز از عوامل عدم اقبال به کارهای گروهی دانستند. ایشان سپس توجیهات خود را برای دفاع از مطالعات گروهی عنوان کردند. به نظر او متخصص فقط می‌تواند در حوزه مطالعه خود بنویسد و جنس منابع هر تخصص متفاوت است و همچنین نیازهای انسان امروز متنوع‌تر و متفاوت‌تر از دوره گذشته است و کارهای جمعی می‌تواند این نیازهای جدید را پوشش دهد.



پنل دوم همایش: (نقد پژوهش‌های تاریخ اسلام)

پس از سخنرانی دکتر خلیفه از پنل قبلی، دکتر سید محمد رحیم ربانی‌زاده استادیار پژوهشگاه علوم انسانی با موضوع خوانش انتقادی متون درسی تاریخ اسلام نخستین سخنران موضوعی این پنل بودند. ایشان در ابتدا با اشاره به دو واحد درس عمومی تاریخ اسلام برای همه دانشجویان نقد خود را متوجه کتاب‌های مربوط به این درس دانستند و چهار کتاب تاریخ اسلام، زرگری‌نژاد شهیدی فیاض و نصیری را موضوع بحث و نقد خود دانستند. به باور ایشان نویسندگان این کتاب‌ها هرچند رسالت دینی نیز احساس می‌کردند، اما بیشتر با سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی و

به‌عنوان پروژه سفارشی این کارها را انجام داده‌اند. به نظر ایشان مهم‌ترین نقدهایی که به همه این کتاب‌ها واردند عبارت‌اند از: به حاشیه بردن ایران و روم و عصر جاهلیت و درواقع نگاه به تاریخ اسلام به‌عنوان یک مؤمن و نه یک مورخ. درحالی‌که ما درواقع امر با نقش پررنگ این حکومت‌ها و دوره‌ها در تاریخ اسلام سروکار داریم. حکومت بنی امیه و امپراتور روم و بنی عباس و امپراتور ایران باستان‌اند. ایراد دیگر ایشان این بود که به‌غیر از کتاب زرگری‌نژاد بقیه کتاب‌ها در زمینه استناد ضعیف هستند. هر چهار کتاب نوعی نگاه قدسی به تاریخ اسلام دارند و بسیاری از موارد را که به‌راحتی می‌توان از زاویه دید زمینی و این جهانی تبیین کرد به امداد غیبی منتسب می‌کنند. همچنین وحی را وارد کتب می‌کنند و وجود این دیدگاه که خدا در یک‌جا به کمک مسلمانان می‌آید و در جای دیگر بی‌طرف است مشکل اساسی در فهم تاریخ برای دانشجوی غیرمتخصص به وجود می‌آورد. به‌صورت کلی ایشان عدم توجه به نیاز مخاطب و سفارشی بودن و دنبال توجیه بودن این کتاب‌ها (مثلاً توجیه فتوحات) را نکات ضعف و قابل نقد این کتاب‌ها می‌دانند.

دومین سخنران پنل دوم دکتر حجت‌الله جودکی با موضوع «ترجمه نقادانه تراث»؛ سخنان خود را این گونه آغاز کردند که بیشتر تراث پس از زبان فارسی عربی است و در نتیجه نیاز به ترجمه آن‌ها نیازی واقعی است. بخشی از این آثار ترجمه و بخشی دیگر هنوز ترجمه نشده و نیاز به ترجمه دارند؛ اما حتی آن کتاب‌هایی نیز که ترجمه شده‌اند نقادانه ترجمه نشده‌اند و در نتیجه نیاز به بررسی نقادانه دارند. به گفته ایشان بسیاری از اصطلاحات فهم یا درست تعریف نشده‌اند. تفاوت لهجه‌ها و یا اسامی و لغات در نظر گرفته نشده است. بی‌دقتی‌ها یا کمبود وقت در بسیاری موارد باعث نوعی برداشت کج از این آثار در ترجمه‌ها شده است، به‌نوعی که در مواردی قصد نویسنده در اثر ترجمه‌شده را غیرقابل فهم کرده است.

دکتر روح‌الله بهرامی، دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه، سخنران بعدی این پنل با موضوع «ظهور نقد تاریخی در تاریخ‌نگاری‌های اسلامی» بودند که ابتدا اشاره کردند که موضوعشان ممکن است کج‌تابی مفهومی داشته باشد به این معنا که نقد تاریخی در دامن عصر جدید و پارادایم علم جدید قابل طرح است و با این رویکرد ظهور نقد تاریخی در تاریخ‌نگاری اسلامی نمی‌تواند در چارچوب قرار گیرد، چون مقوله‌ای پیش از عصر جدید است؛ اما اگر نقد را به معنی اندیشیدن و تجدید نظر قلمداد کرد می‌توان این موضوع را در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی نیز وارد کرد. به باور ایشان نقد کمتر بر ویرانی‌ها نظر دارد، بلکه به طرح برداشت‌های جدید منجر می‌شود و دامنه دانش تاریخ را گسترش داده و به راه‌های جدیدتری می‌برد. نقد به زایایی منتهی می‌شود. به باور ایشان پیدایش نقد در متون تاریخ اسلام، بدون توجه به پیشینه این افراد زایل است. ارزش مفهوم زمان به‌عنوان معیار نقد و همچنین متن مقدس قرآن و لزوم تاریخ‌گذاری سوره‌ها و آیه‌ها و متن حدی و لزوم تاریخ‌گذاری آن از عوامل شکل‌دهنده تاریخ‌نگاری و هور رویکرد انتقادی و خود انتقادی در بین مسلمانان بود.



پنل سوم همایش: (نقد پژوهش‌های تاریخ اسلام)

نخستین سخنران این جلسه دکتر محمدتقی ایمان پور از دانشگاه فردوسی مشهد با عنوان «نقد مطالعات تاریخ هخامنشیان» بودند که ابتدا به بازشناسی ایران قبل از ساسانیان توسط اروپاییان اشاره کردند و گفتند تا قبل از صفویان و آمدن رفته‌رفته اروپاییان به ایران درک مشخصی از دوره ماقبل ساسانی وجود نداشت. اروپاییان بر اساس منابع یونانی و رومی از تاریخ ایران اطلاعاتی داشتند و به دنبال اثبات این اطلاعات درواقعیت و پیدا کردن مثلاً پرسپولیس و غیره بودند. سپس با کشفیات باستانی و تألیف نخستین تاریخ جدید ایران توسط سر جان ملکم سروسامانی به مطالعات تاریخ ایران باستان داده شد. مطالعه خطوط میخی و نوشته‌های میان‌رودان این درک را گسترش داد. از دوره قاجار به بعد خود ایرانیان نیز وارد عرصه شناخت دوره باستان شدند و افرادی مانند مرحوم پیرنیا کتاب‌های جدید و مستندی از این دوره‌ها تألیف کردند. این روند با به قدرت رسیدن رضاشاه و گرایش‌های ملی‌گرایانه و باستان‌گرایانه حکومت پهلوی به اوج خود رسید. دکتر ایمان پور ملی‌گرایانه دیدن و همچنین تکیه بیش‌ازحد به منابع یونانی و رومی را نقاط ضعف این تاریخ‌نگاری‌ها دانستند. این



روند در دوره محمد رضاشاه نیز تداوم داشت و به‌نوعی دهه ۵۰ خورشیدی را باید بهشت باستان‌شناسان در ایران دانست. در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله توجه به تاریخ هخامنشی به اوج خود می‌رسد. این روند در نتیجه انقلاب ایران در داخل متوقف می‌شود اما در خارج به حیات خود ادامه می‌دهد. از این مرحله به بعد با کشفیات و پیدا شدن داده‌های جدید و الواح میان‌رودان و الواح تخت جمشید نوع نگاه یونان نگرانه تا حدودی تعدیل می‌شود و با ورود نسل‌های جدید پژوهشگران نوعی تعادل منبعی ایجاد می‌شود. ایشان در نهایت بحث‌های نقد و رد تاریخ باستان را نوعی واکنش به آن دیدگاه ملی‌گرایانه پیشین دانستند. دکتر فرشید نادری، استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، سخنران دیگر این جلسه با موضوع «نقد نظرات یوزف

ولسکی درباره اشکانیان» ابتدا با ارج گذاشتن بر مقام یوزف ولسکی در پژوهش‌های اشکانی شناسی بر ۷۰ سال فعالیت این استاد درباره اشکانیان اشاره کردند. به باور ایشان ولسکی نخستین کسی بود که سعی کرد در مطالعات تاریخ اشکانی صرفاً محدود به منابع رومی نباشد و به منابع ایرانی نیز بها دهد. ایشان این فرضیه را که سلوکیان در شرق ساکت بودند زیر سؤال برد و نشان داد برای سلوکیان مرزهای شرقی اهمیت داشته است و از آن احساس خطر می‌کردند. همچنین ولسکی فرضیه بیابان‌گردی و صحراگردی کامل اشکانیان را با تکیه بر منابع تا حدودی تعدیل کرد. مسئله فیل هلن و یونان‌دوست بودن اشکانیان مسئله دیگری بود که به باور ولسکی باید در زمینه و بستر خود بررسی می‌شد و به معنی مقهور بودن اشکانیان نبود. همچنین او مسئله انقطاع تاریخی و عدم ایران‌گرایی اشکانیان را با نشان دادن وامداری ساسانیان به اشکانیان زیر سؤال برد؛ اما در کنار همه این نکات مثبت به باور نادری، ولسکی اشتباهات بزرگی هم داشته است. زبان آرامی را زبان رسمی اشکانیان دانستن یکی از همین اشتباهات است که با نگاه به منابع موجود بلند پروازانه به نظر می‌رسد. استاد ایشان به سفال نوشته‌هایی از نسا را می‌توان با نوشته‌ها و اسناد زیادی که به زبان یونانی از آن دوره برجای مانده به‌نوعی مردود دانست.

دکتر شهرام جلیلیان دیگر استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز با موضوع «نقد تاریخ‌پژوهی تورج دریایی» ابتدا از اختصاص پنلی جداگانه برای تاریخ ایران باستان تشکر کردند و سپس وارد بحث اصلی شدند. به باور ایشان تورج دریایی یکی از بهترین پژوهشگران حال حاضر در تاریخ ساسانیان است. به گفته ایشان ما درباره ساسانیان با فقر پژوهش‌های جدی مواجهیم و در غرب نیز به ساسانیان کمتر پرداخته شده است. به باور ایشان دریایی کسی است که دوباره تاریخ ساسانیان را وارد مباحث جدی کرده است؛ اما در کنار همه این ویژگی‌های خوب نقدهای جدی بر کار او وارد است. به‌عنوان مثال او در مطالعات خود از منابع فارسی و عربی پس از انقراض ساسانیان استفاده نکرده است و دلیل آن را متأخر بودن این منابع می‌داند، اما در همان حال از کتاب موسی خورنی که آن هم متأخر است به‌وفور استفاده می‌کند. ایشان به‌شدت وابسته به منابع یونانی و رومی است و در نتیجه به‌نوعی نگاه یک‌جانبه نگرانه‌ای به بحث‌ها دارد. تاریخ سیاسی در نوشته‌های دریایی بسیار ناامیدکننده و ضعیف است. ایشان پایبندی عجیبی به دیدگاه‌ها و نتیجه‌گیری‌های غربی درباره ساسانیان دارند و حتی از منابع اصیل مسیحی نیز در صورتی که چیزی خلاف دیدگاهشان را گفته باشند استفاده نمی‌کنند. به نظر جلیلیان افت دیگر دیدگاه ایشان، سیاسی شدن سخنرانی‌های ایشان و برداشت‌های مرکز‌گرایانه می‌تواند باشد.

اسماعیل سنگاری از دانشگاه اصفهان با موضوع «ترجمه آثار مورخان یونانی به زبان فارسی» ابتدا سؤالی مطرح کردند که آثار ترجمه‌شده تا چه میزان قابل استناد هستند و چه رویکردی دارند؟ ایشان سپس به کمبود ترجمه‌ها و همچنین اشتباهات بزرگ در این ترجمه‌ها

اشاره کردند و عدم وجود یک متولی مشخص را دلیل این اغتشاش و بی‌نظمی دانستند. به باور ایشان کتاب‌های اصلی تاریخی نه از زبان یونانی که باید از زبان فرانسه و انگلیسی به فارسی برگردانده شود؛ زیرا برخورد انتقادی و موشکافی که مترجمان آن آثار در ترجمه اصلی این کتاب‌ها به کار برده‌اند می‌تواند ما را به درک عمیق‌تری درباره‌ی این منابع برساند. ایشان یافتن یک متولی برای ترجمه‌ی نظام‌مند و پایان بی‌اعتنایی به غرب‌شناسی را کلید فهمی تازه دانستند.

پنل چهارم همایش (نقد متون پژوهشی ایران اسلامی)



سخنران نخست پنل آخر دکتر فیاض انوش از دانشگاه اصفهان با «نقد تاریخ‌پژوهی بئاتریس منز» این گونه آغاز کردند که با فهم تاریخ‌نگری یک پژوهشگر می‌توان نوع تاریخ‌نگاری او را بهتر شناخت و بهتر می‌توان آن را نقد کرد و این موضوع در رابطه با بررسی آثار منز نیز صادق است. به عبارت دیگر ایشان تزی ارائه دادند با این عنوان که تا نویسنده را نشناسیم نمی‌توانیم رویکرد مؤلف را بشناسیم و پردازش کار پژوهشگر ناممکن می‌شود. ایشان سپس با این رویکرد به سراغ منز رفتند و مؤلفه‌ها و دغدغه اصلی او را از مطالعه تاریخ ایران، شناخت کل آسیای میانه دانستند که توجه به ایران را باید در دل آن علاقه کلی فهم کرد. به‌نوعی منز به دنبال پیاده کردن طرح‌های خود بر روی تاریخ ایران

است. زاویه دید او بیشتر از منظر قدرت و علوم سیاسی است. دکتر انوش سپس به‌نوعی دغدغه‌های یک مؤلف را به نیازهای علمی یک گروه وابسته دانستند و این سؤال را مطرح کردند که نیازهای عملی و واقعی منز در نگاه به تاریخ و سیاست ایران واقعاً چه بوده است؟ فهم این پرسش و پاسخ آن راهی است که می‌تواند در درک بهتر و زمینه‌مندتر نوشته‌های ایشان در باب تاریخ ما را یاری رساند. دکتر اسماعیل حسن‌زاده، دانشیار دانشگاه الزهراء، سخنرانی خود با عنوان «نقد رویکردهای پژوهشگران تاریخ ترکمانان در ایران» را با تقسیم‌بندی پژوهش‌های ترکمانان در سطح جهانی آغاز کردند: ۱- پژوهش‌های غربی؛ ۲- پژوهش‌های ترکی؛ ۳- پژوهش‌های ایرانی. به نظر ایشان پژوهش‌های غربی بیشتر معطوف به تاریخ سیاسی است. ایشان برای مثال آثار والتر هینتس را تحت تأثیر فضای ملی‌گرایانه حاکم بر آلمان و ترکیه و برای تقویت ملی‌گرایی در ایران دانستند. نکته ضعف این نوشته‌ها به نظر ایشان تکیه زیاد بر اسناد و غافل شدن از منابع است. بقیه آثار غربیان مانند هربرت بوسه و وودز و جان رودز نیز در این قالب می‌گنجد با این تفاوت که در اثر رودز به روابط عشیره‌ای و خویشاوندی ترکمانان پرداخته شده است. در ترکمان پژوهی ترک‌ها، اوزون چارشلی نقطه عطف و نقطه اتکاست. او تاریخ ترکمانان را ذیل تاریخ عثمانی بررسی می‌کند و این نیز به‌نوعی بازتاب نگاه ملی‌گرایانه به تاریخ است. پس از چارشلی به‌نوعی هم بقیه ترکان و هم ایرانیانی که به تاریخ ترکمانان پرداختند چیز تازه‌ای ارائه نداده‌اند و در بهترین حالت به شرح و بست بیشتر نظریات او پرداختند. دکتر حسن‌زاده آفت دیگر ترکمان پژوهی در ایران را عدم خوانش آثار گذشتگان و ناشناخته ماندن آثار پژوهشگران قبلی برای پژوهشگران بعدی دانستند که این باعث تکرار دوباره و رفتن مسیرهایی می‌شود که نه یک‌بار، بلکه بارها طی شده‌اند. به نظر ایشان با مطالعه انتقادی و نگاه به مطالعات پیشینی می‌توان گام را از آنچه در این زمینه داریم، فراتر گذاشت.

دکتر علی سالاری شادی از دانشگاه ارومیه، «نقد رویکردهای راجر سیوری در تاریخ صفویان» را دستمایه سخنان خود قرار دادند و ابتدا به تأثیر کتاب سیوری در تاریخ‌پژوهی دوره صفوی اشاره کردند و سپس اضافه کردند: «این کتاب برای نزدیک به ۳۰ سال اصلی‌ترین کتاب در حوزه آکادمیک و آموزشی رشته تاریخ است. به‌نوعی سیوری برای اکثر دانشجویان تاریخ حکم سند را پیدا کرده است. ایشان سپس این سؤال اساسی را مطرح کردند که این اثر واقعاً تا چه اندازه واقعی و حقیقی است و چه مبنایی برای کار خود داشته است و از چه منابع و کتاب‌هایی برای کار خود بهره گرفته است. ایشان در پاسخ منتقدانه خود به کار راجر سیوری، عالم‌آرای عباسی را منبع اصلی و حتی می‌توان گفت یگانه منبع سیوری برای شناخت صفویان دانستند. به باور ایشان کتاب سیوری خلاصه‌شده کتاب اسکندر بیک است و تا جایی حرف برای گفتن دارد که اسکندر بیک حرف برای گفتن ندارد. برای دوره بعد از عباس که پس از مرگ اسکندر بیک است و کتاب او در این مورد ساکت است، سیوری نیز آن دوره را بسیار فشرده و کوتاه خلاصه می‌کند چون به‌قول معروف کفگیرش به ته‌دیگ می‌خورد. ایشان سپس به تاریخ نادانی اسکندر بیک اشاره کردند که خود نیز به آن معترف است و با نقل‌قولی از یک سفرنامه نویس اسکندر بیک را دلقک شاه‌عباس دانستند و اضافه کردند با این اوصاف آیا تاریخ صفویان راجر سیوری واقعاً می‌تواند درک عمیق و واقعی از دوره صفوی به ما بدهد. به باور ایشان خود اسکندر بیک توان این کار را ندارد و سیوری نیز که این کتاب را خلاصه‌برداری کرده، به‌طریق‌اولی ناتوان از شناخت دوره صفویان است.»

دکتر بهزاد کریمی، استادیار جوان دانشگاه میبد یزد، از «نقد دستور کارهای ایدئولوژیک در مطالعات صفوی» گفتند. به باور ایشان هرچند



که در دوره قبل از انقلاب نیز بزرگانی مانند احمد کسروی و علی شریعتی در باب صفویان به نظریه‌پردازی و مطالعه دست زدند اما بعد از انقلاب به دامنه این مطالعات افزوده شد. به باور ایشان در آثار نوشته‌شده در دوره صفوی نگاه ایدئولوژیکی وجود دارد که قابل نقد است و این را می‌توان نتیجه تأثیر زیاد حکومت صفوی در زندگی ایرانیان دانست. به باور ایشان دو برداشت ایدئولوژیک از دو سمت مطالعات تاریخ صفوی را در بر گرفته است. یک برداشت ایدئولوژیک از آن کسانی است که نگاهی منفی به عملکرد صفویان دارند آثار پارسا دوست را می‌توان جزو این دسته دانست که صفویان را باعث انزوای ایران و بریده شدن از دنیا و همچنین اجباری کردن مذهب تشیع و قتل و کشتارهای گسترده می‌دانند و به نوعی به سمت مواخذه صفویان کشیده می‌شود. سر دیگر این طیف ایدئولوژی زده جریانی است که سعی در تطهیر صفویان دارد و به درجات مختلف کارهای افرادی مانند رسول جعفریان و علی‌اکبر ولایتی در این ردیف قرار می‌گیرد. این گروه برعکس گروه قبلی بر نکات مثبت و نقش مهم صفویان در حفظ ایران و گسترش مذهب تشیع انگشت می‌گذارند و با برخوردی انتخابی با اسناد و منابع صفوی سعی در غالب کردن برداشت خود از آن دوره دارند. این گروه با توجه به نزدیکی به هسته قدرت و ثروت، توان مطرح کردن نظریات خود در آکادمی را بیشتر از گروه دیگر دارا هستند.

دکتر مقصود علی صادقی، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، به «نقد و بررسی کتاب تاریخ تحولات ایران در دوران صفویان» پرداختند و ابتدا اشاره کردند که این کتاب که در روی جلد به نام مرحوم عبدالحسین نوایی به چاپ رسیده است درواقع کار ایشان نیست و آن مرحوم تنها بر روی کار نظارت داشته‌اند و کار آقای غفاری فرد یکی از دانشجویان دکتری ایشان بوده است. درنتیجه نقد بیشتر از اینکه متوجه مرحوم نوایی باشد متوجه نویسنده اصلی کتاب است. سپس وارد نقد کتاب شدند. به باور ایشان با توجه به منبع درسی بودن از این کتاب انتظار بسیار بیشتری می‌رفت. نکات انتقادی زیادی در نظر ایشان بر این کتاب وارد است. ازجمله منابع تاریخی با منابع تاریخ نگارانه خلط شده است. نقد و دسته‌بندی منابع مشکل دارد. ترتیب زمانی و مکانی رعایت نشده است. از منابع فرعی استفاده شده است. سال شماری دقیق رعایت نشده است. در ارجاعات اشکالات فراوانی وجود دارد. مباحث درهم‌آمیخته مطرح‌شده‌اند، داده‌های آماری این کتاب مشکل دارد. در کل با توجه به تدریس این کتاب در دانشگاه به نظر ایشان نیاز به یک بازنگری و تصحیح در این کار به شدت احساس می‌شود. سخنران اختتامیه، استاد پیشکسوت دکتر محمدتقی امامی‌خویی بودند.

ایشان در ابتدا به ارتباط همیشگی خود با پژوهشگاه علوم انسانی، حتی قبل از انقلاب اشاره کردند که خوشبختانه تا به امروز تداوم داشته است. سپس در ادامه به کار جدید خود به نام تاریخ عثمانی با انتشارات سمت اشاره کردند و افزودند: «این کتاب به صورت فشرده و قابل فهم برای دانشجوی کارشناسی تاریخ تألیف شده است و هدف اصلی آن نشان دادن ساختارهای واقعی امپراتوری عثمانی است. به باور ایشان تاریخ مادر علوم است؛ و سه سؤال چرا به وجود آمدیم و چه کار کردیم و چرا نابودشده‌ایم باید سؤالات کلیدی ذهن ما باشد برای درک بهتر امور. به باور ایشان در برخورد با تاریخ عثمانی باید از خود پرسیم این حکومت چطور به وجود آمد؟ چطور پیشروی کرد؟ چرا ایستاد؟ و چرا نابود شد؟ اگر این سؤالات را نپرسیم هرچقدر کتاب و منبع و سند بخوانیم درکی از واقعیت این حکومت و هیچ حکومتی نخواهیم داشت. ایشان در خاتمه به وجود میراث مشترک و ارتباط معنوی بین عالم ایرانی و عالم ترکی اشاره کردند و با خواندن شعری زیبا از شاعری ترک بر مزار حافظ سخنان خود را به پایان رساندند.»

در خاتمه مراسم دکتر نیره دلیر، دبیر اجرایی نخستین همایش تاریخ، پژوهش و نقد متون، با تشکر از استادان و دانشجویان و دست‌اندرکاران این همایش از همراهی شرکت‌کنندگان از ابتدای همایش تا آخرین لحظات پایانی آن که با حضور مستمر و مداوم آنها عجین بوده، این امر را مایه دلگرمی برگزارکنندگان دانسته و این همایش را گام نخستین معرفی کردند که امید است گشاینده راهی جدید در نگارش متون درسی و تحقیقی دانشگاه‌های کشور باشد.



بیست و یکمین نشست مطالعات راهبردی شاخص سازی و ارزیابی وضعیت امنیت با موضوع «روند شاخص های جمعیتی و دیدگاه امنیت ملی»

گروه پژوهشی جامعه و امنیت بیست و یکمین نشست مطالعات راهبردی شاخص سازی و ارزیابی وضعیت امنیت با موضوع «روند شاخص های جمعیتی و دیدگاه امنیت ملی» را با ارائه آقای علیرضا زاهدیان معاون مرکز آمار ایران، در روز سه شنبه ۱۷ اسفند برگزار کرد. در این نشست علمی که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید، ابتدا آقای محمدعلی مینایی، دبیر نشست مطالعات راهبردی شاخص سازی، با اشاره به نقش و اهمیت آمارهای دقیق در رصد و پایش امور اجتماعی و امنیتی، خاطر نشان کرد: تحلیل و بررسی وضع موجود تنها در شرایطی صائب و قابل اطمینان خواهد بود که با ابتناء بر آمارهای دقیق ارائه شده باشد و در نبود داده های لازم و کافی تحلیل نه تنها مفید نخواهد بود بلکه خود موجبات سردرگمی های مضاعف را فراهم می آورد.

در ادامه آقای علیرضا زاهدیان، معاون مرکز آمار ایران، به بررسی آخرین تغییر و تحولات جمعیتی در کشور پرداخته و آن را از منظر امنیت ملی مورد بررسی قرار داد. نرخ باروری در ایران در سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ بالاتر از ۶ بوده است در حالیکه در بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نرخ باروری به حدود ۲ رسیده است. بنابراین شاخص جمعیت ایران که در مقطع زمانی مشخصی در زمره جوان ترین جمعیت های جهان به شمار می رفت در بازه زمانی بیست تا سی سال آینده به جمعیت کهنسال بدل خواهد شد و نظر به پایین بودن نرخ باروری و محدود بودن اعضای خانوارهای ایرانی در آینده نگهداری



و مراقبت از این جمعیت کهنسال امری دشوار بوده و صندوق های بیمه نیز با شرایط فعلی نمی توانند تسهیلات مورد نظر را به این افراد ارائه نمایند. یکی دیگر از نتایج چنین فرایندی کاهش نیروی کار خواهد بود امری که آینده صنعتی و تولیدی کشور را با مخاطره مواجه ساخته و ای بسا ضرورت تغییر سیاست های مهاجرپذیری را به همراه داشته باشد. مسئله یاد شده با ابعاد خاصی که دارد می تواند برای امنیت ملی یک مخاطره محسوب شود و بنابراین، در فرصت باقی مانده نهادهای مسئول و تصمیم ساز باید پیرامون این مسئله سیاست هایی را اتخاذ نمایند.

از سوی دیگر یکی از شاخص های نگران کننده جمعیتی، کاهش شدید جمعیت روستایی می باشد. این واقعیت از دو عامل منشأ می گیرد؛ یکی آنکه بسیاری از جمعیت های روستایی به شهرهای بزرگ مهاجرت کرده اند و دیگر آنکه ما با تبدیل فزاینده دهات به شهرها مواجهیم.

در پایان آقای محمدعلی مینایی، ضمن ارائه جمع بندی نهایی جلسه با اشاره به موضوع شاخص های جمعیتی، خواستار رویکردی موسّع



به مقولات امنیتی شد. در قالب رویکرد سنتی و مضیق به امنیت غالباً عناصر سخت به مثابه تهدیدات امنیتی شناخته می شوند، حال آنکه با گذار از رویکرد یاد شده باید بیش از پیش به نقش و جایگاه متغیرهای اجتماعی در امنیت و ناامنی اجتماعی پرداخته شود. از جمله مهمترین متغیرهای اجتماعی موثر بر امنیت ملی نیز شاخص تغییرات جمعیتی می باشد.

سومین هم‌اندیشی «جایگاه مطالعات قرآنی در تحول علوم انسانی»

پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سومین هم‌اندیشی جایگاه مطالعات قرآنی در تحول علوم انسانی با عنوان «روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم» را در تاریخ ۲۵ بهمن برگزار نمود. در ابتدای این هم‌اندیشی دکتر پارسا، رئیس پژوهشکده مطالعات قرآنی، ضمن خوشامد گویی، گزارشی از اهداف



و محورهای این هم‌اندیشی را بیان کرد. بر اساس سخنان وی، هدف اصلی این هم‌اندیشی بررسی امکان تحول علوم انسانی و ارائه راهکار عملیاتی برای اسلامی شدن علوم انسانی بوده است. در ادامه دکتر پارسا اشاره کرد که در نخستین هم‌اندیشی، مسائل مختلفی از جمله نقش تمدن‌سازی آموزه‌های قرآنی، لزوم نگاه نو به آموزه‌های اصیل و سنتی برای برآوردن نیازهای امروزین، الزامات فهم و تدبر عمومی قرآن کریم، انتظارات بشر از دین، قلمرو مطالعات قرآنی و لزوم فرهنگ‌سازی قرآنی و ایده معرفی قرآن به‌مثابه کتب نجات‌بخش نوع بشر مطرح شد و در مسأله خاص جایگاه مطالعات قرآنی در تحول علوم انسانی در چند نکته توافق حاصل گردید: نخست آن که در این حرکت یعنی ایجاد تحول در علوم انسانی قرآن نه به‌مثابه یک متن مقدس بلکه به‌مثابه یک دانش که ترجیحاً آن را مطالعات قرآنی می‌نامیم می‌تواند دخالت کند. در واقع آنچه قابلیت و ظرفیت مداخله در امر تحول علوم انسانی را دارد همانا مطالعات قرآنی به مثابه یکی از دانش‌های علوم انسانی است.

* ارتباط و تأثیر مطالعات قرآنی در تحول علوم انسانی صرفاً در قالب نوعی مطالعات میان رشته‌ای قابل تعریف هست.

* برقراری ارتباط میان رشته‌ای دو علم امر سهل و ساده‌ای نیست و باید در سه ساحت مبانی معرفتی، مبانی روش‌شناسی است و نیز مبانی زبان‌شناسی ارتباط حاصل گردد.

با توجه به مقتضیات سه‌گانه ارتباط میان رشته‌ای، در دومین هم‌اندیشی در سال ۹۴ مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان رشته‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که نمی‌توان با استفاده از الگوهای ساده غیرپیچیده بین مطالعات قرآنی و حوزه‌های مختلف علوم عرفی ارتباط برقرار کرد. هم‌اندیشی امسال در صدد است که در امر مبانی روش‌شناختی مطالعات میان رشته‌ای ارائه طریق کند. کمیته علمی محورهایی را برای بحث معرفی کردند از جمله الگوها، فرآیندها، ضوابط منطقی، فنون و تکنیک‌های مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، الگوهای دیالکتیکی، رویکرد سیستمی به مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، رهیافت‌های هرمنوتیکی در مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، نقش و کارکرد علوم شناختی در مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، نقش و کارکرد رویکردهای ادبی، تاریخی، پدیدارشناسی زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی در مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم. ایشان تأکید کرد که احتمالاً این برنامه صرفاً ابتدای مسیر هست و این تحول نیازمند حرکت‌های عمیق‌تر و دقیق‌تری است.

در ادامه دکتر بهارزاده، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا (س)، به عنوان دبیر نشست بخش اول از دکتر محمدکاظم شاکر، استاد دانشگاه علامه طباطبائی و دکتر محمد مجتهد شبستری، استاد دانشگاه تهران و دکتر فرامرز احد قراملکی، استاد دانشگاه تهران دعوت کرد تا سخنرانی‌های خود را ارائه نمایند.

در ادامه دکتر شاکر در ابتدای بحث خود در زمینه چگونگی رابطه علوم انسانی با معارف وحیانی گفت: «سال‌هاست که بحث رابطه بین علوم انسانی و معارف دینی مطرح شده است اما به رغم تلاش‌های صورت گرفته، باید اذعان کرد نه تنها تحولی چشم‌گیر صورت نگرفته، بلکه هنوز چارچوب‌های روشن و شفاف نیز برای این تحول ایجاد نشده است.»

سپس دکتر مجتهد شبستری با اشاره به موضوع عبور از تفسیر متن به فهم هرمنوتیکی متن به نکات مهمی اشاره کرد و گفت: «پیدایش هرمنوتیک جدید با پیدایش درک جدیدی از زبان انسانی و نگاه تجربی به آن و کنار گذاشتن نگاه وجودشناسانه متافیزیکی به زبان انسانی همراه بوده و از «بین‌الذهانی» دیدن شکل‌گیری و تکون زبان انسانی جدا نیست و اینجاست که فهم هرمنوتیکی دیده می‌شود.» همچنین دکتر قراملکی در بخش پایانی پل اول هم‌اندیشی، سخنانی با موضوع نقش ارتباط تراکنشی در اثربخشی مطالعات بین رشته‌ای قرآنی ارائه کرد و گفت: «مطالعات بین رشته‌ای قرآنی، مانند هر رویکرد دیگر در سنج کارایی و اثربخشی سنجیده می‌شود. امروزه مطالعات بین رشته‌ای برپایه چنین سنج‌های منزلت و جایگاه انحصاری در برنامه‌های پژوهش یافته است. مقایسه وضعیت موجود رویکرد بین رشته‌ای در مطالعات قرآنی با وضعیت مطلوب آن، پرسش از عوامل توسعه نیافتگی این رهیافت را به میان می‌آورد.»

پس از پایان سخنرانی‌های بخش اول، جلسه پرسش و پاسخی برگزار شد و اساتید به برخی سوالات حضار پاسخ دادند. در بخش دوم سخنرانی‌ها، خانم دکتر نیلساز، دبیر نشست بخش دوم، از دکتر مهدی مطیع، دانشیار دانشگاه اصفهان، دکتر سید علی اصغر سلطانی، دانشیار دانشگاه باقراعلوم و دکتر ابوالفضل حری، استادیار دانشگاه اراک دعوت کردند تا سخنرانی‌های خود را آغاز نمایند.

در ابتدا دکتر مطیع، در سخنانی خود با موضوع «حس فرامتن» آیات قرآن کریم گفت: «مؤلف از تألیف اثر اهداف مختلفی را دنبال می‌کند و با توجه به آنها محتوا و قالب متناسبی برای کلام انتخاب می‌نماید. در نوشتار نیز علاوه بر متن که مجموعه پیدای اثر است، عناصر ناپیدای (فرامتن) دخالت دارند که کشف مراد مؤلف تا حدودی وابسته به آنهاست. قرآن کریم هم مجموعه‌ای از متن و فرامتن است.» در ادامه دکتر سید علی اصغر سلطانی در سخنرانی با عنوان ادب‌ورزی زبانی در گفتگوهای قرآنی گفت: «قرآن متنی است که تا حد زیادی خصلتی گفتاری و گفت‌وگو محور دارد. بخش‌های عمده از این کلام الهی شامل گفتگوهای میان خدا و پیامبر، خدا و حاکمان مختلف، خدا و مردم و غیره است. پرسش این



است که اصول ادب‌ورزی زبانی، که در گفتگوهای انسانی رعایت می‌شوند، چگونه در گفتگوهای قرآنی تجلی می‌یابد؟» در پایان این بخش دکتر ابوالفضل حری با موضوع روایت‌شناسی گفتمان: پارادایمی برای مطالعه میان رشته‌ای (وجه گفتار و اندیشه در داستان‌های قرآن) سخنانی ارائه کرد و گفت: «می‌توان روایت‌شناسی گفتمان را به مثابه پارادایمی برای مطالعه میان‌رشته‌ای وجه گفتار و اندیشه در داستان‌های قرآن معرفی کرد. در این روش ابزارهایی برای سنخ‌شناسی این وجه رنگارنگ که از جمله در قالب شگرد مکالمه تجسم می‌یابد و به طریق اولی در سطح کلان داستان‌های قرآن، فراهم می‌گردد.»

بخش بعدی هم‌اندیشی با سخنرانی دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه یافت. ایشان ضمن خوش‌آمدگویی به حضار از پیوند ادبیات با قرآن کریم سخن گفت و اشاره کرد که ادبیات ایران در طول تاریخ همواره تحت تأثیر آموزه‌ها و مفاهیم قرآن کریم قرار داشته و شکل گرفته است و تأثیر قرآن بر ادبیات غیر قابل انکار است.

سپس دکتر مصطفی آذرخی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی به عنوان دبیر نشست سوم از سخنرانان دعوت کرد تا به ارائه بپردازد. در بخشی از این هم‌اندیشی دکتر احمد واعظی، استاد دانشگاه باقراعلوم (ع) درباره خاستگاه و زمینه‌های نارسایی روش‌شناختی در ایده علوم انسانی اسلامی صحبت کرد و گفت: «إقبال جامعه علمی مابه تولید علوم انسانی بومی و اسلامی و عدم اکتفاء به شناخت و بازگویی علوم انسانی غربی یک ضرورت غیر قابل انکار است و عطف توجه برخی شخصیت‌های علمی در ایران و سایر جوامع اسلامی به این حوزه و پرداختن به چیستی، چرایی و چگونگی وصول به علوم انسانی اسلامی با پاره‌ای سوء فهم‌ها و ابهامات همراه است.»

سپس دکتر هادی رهنما استادیار دانشگاه پیام نور سخنرانی با عنوان «گفتگوی میراث مرتبط با فهم قرآن کریم و پژوهش‌های قرآنی میان‌رشته‌ای، زمینه‌ها و شرایط: ارائه کرد و گفت: «آن‌گاه که محقق قصد مطالعه و فهم مسئله‌ای قرآنی می‌کند، چه از فضای مطالعات قرآنی عزیمت کرده باشد و چه از فضا و جغرافیای رشته‌ای دیگر، بیش از هر چیز خود را در برابر میراث تفسیری می‌بیند؛ مجموعه عظیمی از گفته‌ها و بحث‌ها که ناگزیر بر مسیر تحقیق سایه می‌اندازد و کار محقق را به گفتگو با خود فرامی‌خواند.»



پس از آن دکتر مقصود فراستخواه، هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، صحبت کرد و در سخنرانی با عنوان پدیدارشناسی وحی با تحلیل محتوا (تحلیل تم) در متن قرآنی گفت: «پیامبران از جمله اثرگذارترین انسان‌های تاریخ هستند. این آثار هنوز بعد از گذشت قرن‌ها و هزاره‌ها به صورت ادیان و مذاهب همچنان باقیست و در گذر تاریخ به بخش مهمی از مردم‌شناسی جوامع تبدیل شده است. پرسش این است که چه اتفاقی در وجود ابراهیم، موسی، عیسی، بودا، زرتشت و



لاؤتسه و محمد افتاده که این چنین آنان را دگرگون کرده و به انسان‌هایی مؤثر تبدیل کرده است. پرسش خاص در مطالعه حاضر این است که «واقعۀ وجودی پیامبر اسلام» چه بود؟

در پایان بخش چهارم، دکتر قاسم درزی، استادیار قرآن و حدیث دانشگاه شهید بهشتی در مورد نقش و کارکرد علوم شناختی در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم صحبت کرد و گفت:



«علوم شناختی ابزارهایی را از روان‌شناسی، علوم کامپیوتر، زبان‌شناسی، فلسفه و عصب‌شناسی با هم ترکیب می‌سازد تا عملکردهای هوش انسان را توضیح دهد. پیچیدگی «هوش» و «ذهن» موجبات مشارکت و هم‌افزایی این پنج رشته اساسی در بررسی زیرساخت‌ها و روستاها در این ارتباط را ضروری نموده است.»

در بخش پایانی نشست دکتر جلیلی به عنوان دبیر نشست از آقایان دکتر احمد پاکتچی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق و عضو وابسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و

دکتر مرتضی کریمی‌نیا، پژوهشگر مطالعات قرآنی و خانم دکتر فاطمه توفیقی، استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب دعوت کردند تا به ارائه سخنرانی بپردازند.

دکتر کریمی‌نیا در سخنانی با عنوان «پیوند میان مصحف‌شناسی قرآنی و شناخت ما از تاریخ قرآن»، گفت: «بخش اعظم دانشی که امروزه با عنوان تاریخ قرآن در باب تحولات مختلف در سیر نزول، تدوین و جمع، کتابت، نقطه، اعراب، و قرائات قرآنی می‌شناسیم، از اسناد و شواهد عینی برجای مانده از قرون نخست اسلامی بهره‌گیری نکرده است و توجه به مخطوطات کهن قرآنی می‌تواند درک ما را از برخی مسائل جزئی و نیز کلی در حوزه مطالعات مربوط به تاریخ قرآن بهبود بخشد، تغییر دهند یا تصحیح کنند.»

سپس دکتر توفیقی در زمینه «ملاحظات بر کاربست روش نقد تاریخی در فهم قرآن، نمونه‌های امینه ودود، اسماء بارلاس و امیرحسین ترکاشوند» صحبت کرد و گفت: «نقد تاریخی یکی از روش‌های بسیار بالنده نقد متن و دین‌پژوهی است. این روش به دنبال بررسی شرایط تاریخی ظهور متن است، به گونه‌ای که معنای دقیق متن از طریق زمینه تاریخی آن شناخته می‌شود. به این معنا، شاید بتوان گفت که این روش از قدیم در تفاسیر به کار می‌رفته است.»

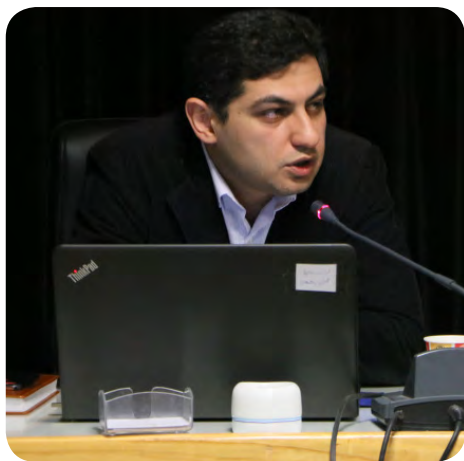
در بخش آخر دکتر پاکتچی با عنوان «گونه‌های زمان و تاریخت، زمان‌سنجی روندها و رخدادها در قرآن کریم» سخنانی ارائه کرد و گفت: «بازنمایی زمان گاه حاصل سنجش رخدادها با هم است که از آن به زمان تطبیقی تعبیر می‌شود و گاه حاصل سنجش برش‌هایی از یک روند که بدان زمان ساختاری گویند. اما از جهتی هر دو طیف از زمان بر دو نوع است: زمان مطلق که بر اساس یک مبدأ تاریخ سنجیده می‌شود و زمان نسبی که در آن مبدأ تاریخی به عنوان معیار، مفقود است. در مطالعه تصویر قرآن کریم از روندها و رخدادها، گرایش به استفاده از زمان تطبیقی مطلق دیده نمی‌شود و زمان‌سنجی در این مطالعات عموماً نسبی است و یا در صورت مطلق بودن ساختاری است.»

در پایان، جلسه پرسش و پاسخی برگزار شد و اساتید به برخی سوالات حضار پاسخ دادند.



«تاریخ فکری سینمای ایران پیش از انقلاب اسلامی»

دکتر علوی پور: مسعود کیمیایی پیشگوی انقلاب در سال ۵۷ بود



دکتر علوی پور در خصوص شکل‌گیری این پژوهش اذعان کرد: «اگر ما بخواهیم تاریخ فکری ایران در آستانه انقلاب اسلامی در سال ۵۷ را بررسی کنیم، باید ببینیم دنبال چه مؤلفه‌هایی هستیم؟ یکی از عرصه‌هایی که تاریخ فکری را می‌توان در آن بررسی کرد (که عرصه‌های متعددی دارد) عرصه‌هایی همچون ادبیات، هنرهای مختلف، روابط اجتماعی، روابط سیاسی هستند. به همین دلیل تاریخ فکری یکی از مهم‌ترین میزهایش این است که دوره تاریخی را بسیار کوتاه و معمولاً ۲۵ سال در نظر می‌گیرند، چرا که بیشتر از آن تاریخ فکری را نمی‌شود در یک پروژه بررسی کرد. با این حال، با توجه به اینکه سینمای ایرانی تا پیش از انقلاب اسلامی فراز و فرودهای قابل توجهی داشته و دوره‌هایی وجود داشته که رکود محض در سینما اتفاق افتاده است، بنابراین ما این دوره را به طور وسیع‌تر یعنی از شروع سلطنت پهلوی تا انقلاب اسلامی در نظر گرفته‌ایم.»

وی افزود: «در این پژوهش ما تلاش کردیم که بحث تاریخ فکری را صرفاً از آنچه که در سینمای ایران اتفاق افتاده است (چنانچه در سایر حوزه‌ها نیز این تاریخ فکری را می‌توان مشاهده کرد) تا پیش از ظهور انقلاب اسلامی بررسی کنیم.»

دکتر علوی پور پیش از وارد شدن به بحث اصلی مقدمه‌ای در خصوص سینما ارائه داد و گفت: «سینما در عصر مظفری به ایران وارد شد. سفر مظفرالدین شاه به اروپا منجر شد، دستگاه سینماتوگراف را ببند و آن را به کشور وارد کند. به تعبیری اولین بازیگر، اولین فیلمبردار، اولین کارگردان سینمای ایران مظفرالدین شاه است. سینما از جمله عرصه‌های صنعت مدرن است که ایران و

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل یکی دیگر از نشست‌های علمی خود را با عنوان «تاریخ فکری سینمای ایران پیش از انقلاب اسلامی» و با سخنرانی دکتر محسن علوی پور برگزار کرد.

دکتر محسن علوی پور در ابتدای سخنان خود گفت: «بنده امروز قصد دارم در مورد تاریخ فکری از منظر سینمای قبل از انقلاب اسلامی صحبت کنم. چرا که می‌توان آنچه را که در عرصه فکر در یک جامعه اتفاق افتاده از منظر میان رشته‌ای بررسی کرد و وجه متفاوتی از آنچه تحول یافته را مورد بررسی قرار داد. وی ادامه داد: تاریخ فکری یک رویکرد میان رشته‌ای است و مانند بقیه رویکردهای میان رشته‌ای بخصوص در نیمه دوم قرن بیستم، مورد توجه قرار گرفته است. به روایت ساده می‌توان گفت که تاریخ فکری دنبال این است تا بگوید، آنچه در عمل اتفاق افتاده؛ مانند جنگ، انقلاب و... را چگونه می‌توان از منظر تحول در عرصه فکر فهمید. به تعبیر دیگر اگر ما به جای خواندن تاریخ، تحولات فکری را بخوانیم، آیا می‌توانیم بفهمیم که آن امر در عرصه واقعیت اجتماعی اتفاقی افتاده یا خیر؟ از این جهت تاریخ فکری رویکردی است که به‌خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.»

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه با اشاره به نسبت فکر و جامعه از منظر دانشمندی همچون «اسکینر» گفت: «اینها فکر را از آنچه که در اجتماع اتفاق افتاده استخراج می‌کنند و در مقابل دیدگاهی وجود دارد که فکر را مبنا قرار داده و از دل آن می‌خواهند آنچه در جامعه اتفاق افتاده را درک کنند. این رویکرد اشتراکات جدی با رویکردهای میان رشته‌ای دیگر هم دارد مانند: تاریخ ایده، تاریخ اندیشه، تاریخ فرهنگی، تاریخ اجتماعی که با توجه به محوریت پیوندی که میان تفکر و رخدادها در تاریخ اجتماعی برقرار می‌کند می‌توان آن را از بقیه حوزه‌های فکری متمایز کرد.»



اروپا بسیار نزدیک به هم در آن فعالیت کردند. یعنی فاصله ورود دستگاه سینماتوگراف به ایران با اختراع آن توسط برادران لومیر، ۵ سال بود. پس از آن اولین فیلمبرداری‌ها اتفاق افتاد و جالب است بدانیم که در رویکرد درباری تلاش‌هایی هم شد تا فیلم‌هایی با محتوا و داستان ضبط شود و فیلمبرداری‌ها رویکرد سینمایی داشته باشد. اما تا ابتدای دهه ۳۰ که تقریباً تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد را در بر می‌گیرد، به تعبیر «حمید نفیسی» نویسنده تاریخ اجتماعی سینمای ایران دوره فعالیت‌های کارگاهی را از سر می‌گذارند. به این دلیل که در این دوره تولیداتی که در سینمای ایران شروع شده تولید مقلد است، یعنی نهایت تلاش این هست که ببینند چه فیلم خارجی آمده و عین همان را بسازند یا کسانی که وارد عرصه سینما شدند بیش از اینکه اهل هنر باشند، کسانی بودند که دنبال سودجویی‌اند. شکل‌گیری اولین مدارس آموزش هنرهای سینمایی نیز با همین شیوه بود. کسانی که وارد می‌شدند عموماً افرادی بودند که با هنر پیوندی نداشتند و سینما را جای خوبی

برای کسب درآمد می‌دیدند. در کنار همه این موارد، بحث فشار حکومت هم نکته قابل توجهی در این دوران است، که تلاش می‌کرد هم سینما را به خدمت بگیرد و هم آن را تحت فشار قرار دهد و سانسور کند. این دوره برای اهالی هنر و صنعت جدید سینما، دوره سختی بود در نتیجه تا سال ۱۳۳۰ تولید سینمایی بالارزشی که بتوانیم

بگوییم عرصه تحول فکری بوده، نداریم.»

وی اشاره کرد: «بین سینماگران ایرانی تنها کسی که تا حدودی تلاش می‌کند این عرصه را عرصه جدی‌ای در نظر بگیرد عبدالحسین سپنتا است که فیلم «دختر لر» اولین فیلم ناطق ایرانی را ساخت. بعد از آن «فردوسی» و بعد از آن «لیلی و مجنون» و «خسرو و شیرین» را ساخت. تلاشی که سپنتا دارد این است که با روی آوردن به آثار کلاسیک ادب فارسی به نوعی هویت ملی که رضاشاه هم به دنبال آن بود را در ایران گسترش دهد. در عرصه سینما هم می‌بینیم سپنتا همین تلاش را دارد اما این هم باز به بحث فشار حکومت برمی‌گردد و اتفاقی که می‌افتد، هنگامی که سپنتا «دختر لر» را تهیه می‌کرد، بنا به فشار سیاسی مجبور شد آن را به یک پروپاگاندای رضاشاهی تبدیل کند. یعنی تلاش برای اینکه در بخش‌های مختلف فیلم نشان داده شود که رضاشاه ایران جدید را ساخته و آباد کرده است. یا مثلاً فیلم «فردوسی» که برای هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳ ساخته شده تا این حد فشار حکومت جدی است که نقش محمود غزنوی، به‌خاطر کاری که با فردوسی کرد، بنا به دستور شخص رضاشاه عوض شد. این دوره‌ای است که به عنوان فعالیت‌های کارگاهی است و نمی‌توان جدی گرفت. در این دوره ما از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۶



در واقع هیچ تولید سینمایی در کشور نداشته‌ایم.» دکتر علوی‌پور ادامه داد: «از ابتدای دهه ۳۰ اتفاقی که می‌افتد یکی بازگشت ایرانیان تحصیل کرده از غرب هست. این افراد اکثراً دغدغه‌های سینمایی دارند. فردی مثل ابراهیم گلستان یا فرخ غفاری. ابراهیم گلستان اولین شرکت یا مؤسسه تولید سینمایی حرفه‌ای در ایران را راه‌اندازی کرد. فرخ غفاری هم استانداردهای نقدنویسی سینمایی را در ایران شکل می‌دهد. در ادامه کودتای ۲۸ مرداد که اتفاق می‌افتد مثل همه عرصه‌های دیگر، سینما هم دچار رکود و رخوت می‌شود که تا سال ۱۳۳۷ تقریباً هیچ تولید فکری جدی نداریم. اما تولیدات سینمایی و نقدهای سینمایی شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. نکته قابل توجه سال ۱۳۳۷ ساخت اولین فیلم متفکر ایرانی توسط فروغ فرخزاد هست. فیلم «خانه سیاه است» فیلمی فراتر از یک اثر تمرینی مستند بود و فروغ به واسطه این فیلم توانست به عنوان یک هنرمند برجسته اعتبار بیابد و دیدگاه او به عنوان یک متفکر سکولار در جامعه ایرانی آشکار شود. و این

مستندی است از باورهای خرافی جامعه‌ای که نمی‌داند درمان دردهای خویش را می‌بایست در علم بجوید، نه در خرافه‌های مذهبی. و اینکه فرخزاد از اجتماع جزمیان به مثابه استعاره‌ای برای اجتماع ایرانی بهره می‌برد و جزم عمیق‌تر موجود در جامعه‌ی

ایرانی عصر خویش را برملا می‌کند و فروغ فیلم مستندی را که قرار بود صرفاً گزارشی رسمی باشد به یک اثر هنری جاودان تبدیل می‌کند و نشانه‌ها و دلالت‌های زیبایی را در قلب واقعیت تحمل ناپذیر به جلوه در می‌آورد و...»

دکتر علوی‌پور افزود: «در ۱۳۴۸ سینمای ایران اتفاق عجیبی می‌افتد و چند فیلم بسیار تأثیرگذار و جریان‌ساز ساخته می‌شوند که از آن به بعد سینمای ایران دچار یک تحول عظیم فکری می‌شود. سه فیلمی که در این سال ساخته شدند، فیلم‌های «گاو» مهرجویی، «قیصر» کیمیایی و «آرامش در حضور دیگران» ناصر تقوایی بودند. در واقع می‌توان گفت، در هنگامه شکوفایی سینمای مؤلف در ایران، سینماگران جوانی نمو یافتند که با وجود آنکه در آغاز خود را دل‌مشغول تم‌های روشنفکرانه و غریبه برای جامعه‌ی ایرانی می‌دیدند، خیلی زود دریافتند که فیلم‌سازی در جامعه‌ی متلاطم و گرفتار در بحران‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیازمند اتخاذ رویکردی بومی‌گراست که مخاطب را در سالن سینما با آنچه در واقع زندگی خود اوست مواجه کند. این هم نکته قابل توجهی هست، هم مهرجویی و هم کیمیایی فیلم‌های اولی که می‌سازند فیلم‌های روشنفکرانه‌ای هست که هیچ ربطی به جامعه ایرانی ندارد و اتفاقاً مورد توجه

مخاطبان هم قرار نمی‌گیرد.»

اولین فیلم کیمیایی که در این زمینه قابل توجه هست فیلم «قیصر» هست که روایت استیصال و طغیان مردمی است که از یک سو زندگی مآلوف اجتماعی خود را از کف داده‌اند و از سوی دیگر در چنگال نهادهای مدرن و تحمیلی حکومتی مانند پلیس و دادگاه‌های مدرن، عزت و شرافت خود را در خطر می‌بینند. این مردم هم از اعاده‌ی آنچه پیشتر داشته‌اند مأیوسند و هم چنان در ناتوانی و بیگانگی مدرن خویش غرق شده‌اند که راهی برای رهایی از این مشکلات نمی‌یابند. اما کیمیایی با خلق قهرمانی نوپا که در برابر این استیصال طغیان می‌کند امکان بازگشت را نوید می‌دهد و مردم را به کنش‌گری در این راه فرا می‌خواند. این نکته به‌خصوص از این جهت قابل توجه می‌تواند باشد که ما هم‌زمان فیلم‌های دیگری را هم داریم می‌بینیم که بازگشت به مردمی را روایت می‌کند که دیگر نیستند. این مردم در جاهایی احساس ناامیدی می‌کنند که بود و نبودشان تفاوتی با هم ندارد. مثل فیلم‌های «خداحافظ رفیق» و «تنگنایی» که امیر نادری در سال‌های ۵۰ و ۵۲ می‌سازند؛ اما می‌تواند روایت مردمی باشد که با بازگشت به خود، با انتخاب مقاومت در مقابل آنچه قدرت بر آنها تحمیل می‌کند که شما می‌توانند دوباره احیای خویش‌تن را تجربه کنید و...

علوی‌پور تصریح کرد: «در این فرصت دو نفر را مثال می‌زنم هرچند دیگرانی هستند که می‌توان به آنها هم اشاره کرد. یکی بهرام بیضایی و دیگری مسعود کیمیایی. بیضایی با فیلم «رگبار» روایت امکان رهایی را از این وضعیت استثمارگر قدرت به تصویر می‌کشد. فیلم‌های دیگری که از «رهای» روایت می‌کنند، یکی فیلم «گوزن‌ها»ی مسعود کیمیایی است و دیگری «سفر سنگ» که هم‌زمان با انقلاب ساخته می‌شود. «گوزن‌ها» روایت کسانی است که قدرت آنها را نابود کرده است. روایت شخصی به نام قدرت که در فیلم به طور مبهم روایت می‌شود اما گویا به خاطر فعالیت‌های سیاسی تیر خورده و فراری است. روایت سید است که به خاطر معتاد شدن، یک انسان نابود شده و از دست رفته است. اینها کسانی هستند که در فیلم گوزن‌ها در کنار یکدیگر وقتی تصمیم می‌گیرند وضعیت‌شان احیا شود، تلاش انقلابی خودشان را شروع می‌کنند. به عنوان نمونه سید اولین کاری که می‌کند این است که فروشنده مواد مخدر را می‌کشد. و دومین کار مهم دیگری که می‌کند این است که پول‌هایی که دست قدرت است را به دوستان قدرت می‌رساند. هرچند در نهایت خانه‌ای که در

آن هستند منفجر می‌شود و هر دو کشته می‌شوند. اما آنچه باید اتفاق بیافتد در گوزن‌ها اتفاق افتاده‌است. و در نهایت در فیلم «سفر سنگ» این به بارزترین وجه نمود پیدا می‌کند. روایت، روایت انقلاب است شاید بتوان گفت مسعود کیمیایی در ۵۷ پیامبر پیشگوی انقلاب است. «سفر سنگ» روایت روستایی است که در آن کدخدا به خاطر مالکیت بر سنگ آسیاب بر تمام زندگی مردمان روستا مالک است. شخصی در کوهستان شروع می‌کند به ساختن سنگ آسیاب جدید تا آن را در اختیار اهالی روستا قرار دهد. جالب این است که بیست سال قبل آن نیز کسی این کار را کرده بود که او را کشته بودند. اگر دقت کنید بیست سال پیش هم مصدق دوره ملی شدن نفت را شروع کرد. اما این دفعه سنگ ساخته می‌شود و با وجود فشارها، کم‌کم راه می‌افتد به سمت روستا. سنگ به سمت روستا می‌آید و در مسیر دقیقاً همان کسانی را که در انقلاب نقش دارند به سنگ می‌پیوندند و کمک می‌کنند. از جمله روحانیون و زنان و جوانان. همه اینها شروع می‌کنند به همراهی با سنگی که قرار است به روستا بیاید و روستاییان را از یوغ قدرت نجات دهد. سنگ می‌آید و در نهایت وقتی وارد روستا می‌شود در مسیر خودش خانه کدخدا را ویران می‌کند. کدخدایی که تا الان حاکم روستا بوده است. همان اتفاقی که در آن زمان در جامعه ایرانی در حال جریان است. جریان انقلاب که هم‌زمان با نمایش سفر سنگ اتفاق می‌افتد. در واقع آنچه را که در شناسایی و بازبینی این فیلم‌ها می‌توان به آن اتکا کرد این است که سینماگران ایرانی اگر برگردند به همان سؤال و دغدغه‌ی اول، که اگر ما بخواهیم روایت انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را از خلال تحولات فکر به‌ویژه در سینما بررسی کنیم، چگونه می‌شود این کار را کرد. من معتقدم که یک ظرفیت جدید و یک چشم‌انداز جدید به فهم ما از اتفاقی که در انقلاب اسلامی افتاده باز می‌کند. یعنی ما می‌توانیم با مشاهده‌ی فیلم‌های ارزشمند سینمایی در این دوره ببینیم که در جامعه چه بحران‌ها و چه مشکلاتی وجود داشته که جامعه را در نهایت به طغیان علیه قدرت هدایت می‌کند. و اتفاقاً چگونه می‌توان این طغیان را انجام داد، چه مؤلفه‌هایی یا چه ظرفیت‌هایی برای چنین کاری لازم است؟ این کاری است که سینمای ایران در این زمان انجام می‌دهد. بر این اساس شاید بتوان گفت، با دیدن و مشاهده‌ی دقیق این فیلم‌ها می‌شود فهمی از تاریخ سینمای ایران در آستانه انقلاب اسلامی به‌دست آورد.



در طرح اعتلاء، بدنه علوم انسانی باید مشارکت داشته باشد

مبانی، طرح‌های گروه تاریخ و طرح‌های گروه کاربست.

شما چه مسئولیتی در طرح اعتلاء دارید؟

بنده مسئول «کارگروه مبانی» هستم. ما اخیراً بعد از تهیه فاز صفر یا بخش مطالعاتی طرح اعتلاء اقدام کردیم به فراخوان از داخل پژوهشگاه و به زودی به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های خارج از کشور نیز فراخوان خواهیم داد تا اگر می‌توانند به این طرح بپیوندند و به ما کمک کنند.



از نظر شما این طرح تا چه میزان به می‌تواند به کاربردی شدن علوم انسانی کمک کند؟

اینکه این طرح چقدر می‌تواند به کاربردی شدن علوم انسانی کمک کند باید بگوییم که همه چیز در دست پژوهشگاه و دانشگاه‌ها نیست. اما چون سفارش‌دهنده این طرح سازمان مدیریت برنامه و بودجه است و این سازمان در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مملکت دخالت دارد؛ ما می‌توانیم امیدوار باشیم که اگر این طرح خوب اجرا شود، چون با مرکز سیاست‌گذاری مهمی در ارتباط است، مرحله اجرایی آن نیز پیش خواهد رفت.

هرچقدر که بدنه علوم انسانی کشور اعم از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها بتوانند بیشتر و بهتر وارد طرح اعتلاء شوند و راهکارهایی اندیشیده شود که مشارکت ملی را برانگیزد، طبیعتاً می‌تواند طرح اعتلاء را در جهت هرچه بهتر محقق شدن پیش ببرد. شاید بتوان اصلی‌ترین مانع طرح را این‌گونه بیان کرد. از آنجایی که سابقه انجام چنین طرح‌هایی را به این وسعت در پژوهشگاه نداشته‌ایم، ساختارهای اجرایی آن هنوز کاملاً چفت نشده‌اند. به عنوان مثال دبیرخانه یا شوراهای مختلف یا کارگروه‌های مختلف آن تجربه‌ای نو بوده‌اند که ارتباط آن با قسمت اداری - مالی و همکاران و اندیشمندان خارج از پژوهشگاه خیلی جا افتاده نیست. البته باید به مرور باید ضعف‌ها را رفع کرد و موانع را از پیش رو برداشت تا به هدف برسیم.

در این شماره از خبرنامه داخلی پژوهشگاه با دکتر مهدی معین زاده رئیس پژوهشکده غرب‌شناسی و علم پژوهی و دبیر «طرح جامع اعتلاء علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» گفتگویی انجام داده‌ایم تا بیش از پیش با این طرح کاربردی و مؤثر آشنا شویم. در زیر این مصاحبه را می‌خوانید:

ارزیابی شما از «طرح جامع اعتلاء علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» چیست؟

طرح اعتلاء همانطور که از نامش پیداست به نقش‌آفرینی بیشتر علوم انسانی در پیشرفت کشور توجه دارد. نقضی در علوم انسانی مشاهده و مطرح می‌شد که علوم انسانی، در برنامه‌ریزی و رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور چندان جایگاهی ندارد. به عبارت دیگر برخی ادعا می‌کردند؛ مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما بدون دخالت علوم انسانی حل و فصل می‌شود. یعنی آن بنیاد علمی که برای حل این مسائل باید وجود داشته باشد، گویا از طرف علوم انسانی تأمین نمی‌شود یا اصلاً مواجهه ما با این مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اساساً علمی نیست. این مسئله ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد اما یک دلیل آن این است که خود علوم انسانی چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ عملکردی نتوانسته چنان که شایسته است خودش را در سیاست‌گذاری، فرهنگ، جامعه و اقتصاد جایی برای خود باز کند. بر همین اساس تحقیق کردیم که دلیل آن چه بوده است. دلیل این مسائل را در سه مورد کلی طبقه‌بندی کردیم: دلیل اول، احتمالاً محتوای علوم انسانی موجود در کشور به گونه‌ای است که اجازه برقراری ارتباط با جامعه و مسائل جامعه را نمی‌دهد. این قسمت از مسئله باعث شکل‌گیری بخش «مبانی» طرح شد. به این معنا که بازاندیشی در مبانی علوم انسانی صورت گیرد تا مبانی علوم انسانی موجود با مبانی فرهنگی، تاریخی و دینی جامعه ما مطابقت داشته باشد و بتواند نقش‌آفرینی کند. دلیل دوم که در نظر گرفتیم این بود که علوم انسانی از لحاظ «محتوایی» چندان مسئله‌ای ندارد، بلکه هنگام وارد کردن علوم انسانی از غرب دچار مشکل شده‌ایم. این مسئله باعث شکل‌گیری «کارگروه تاریخ» شد و ما به دنبال این بودیم که تاریخ ورود علوم انسانی به کشور را مورد بازاندیشی قرار دهیم و ببینیم در فرآیند ورود علوم انسانی آیا خوب عمل کرده‌ایم یا نه؟

دلیل سوم؛ نیز این می‌تواند باشد که محتوای علوم انسانی خوب بوده و ورود آن از غرب به کشور مشکلی نداشته است اما، در «کاربست» آن دچار مشکل شده‌ایم. این سه مجموعه، بدنه طرح اعتلاء را شکل دادند. بنابراین ما شروع کردیم به تعریف مسئله و تعیین محورها و موضوعاتی که ذیل هر کدام از این کارگروه‌ها می‌توان به آن پرداخت. تعدادی طرح تعریف کردیم. طرح‌های گروه

نشست علمی «موسوعة طب الامام علی علیه السلام»



مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام نشست علمی با عنوان «موسوعة طب الامام علی علیه السلام» ۹۵/۱۲/۲۳ برگزار کرد. سخنران این نشست جناب آقای باسملانصراری اندیشمند عراقی به بیان مطالبی در خصوص کتابی که به همین عنوان نگاشته است پرداخت که به شرح زیر است:

اگر بخواهیم کمال شخصیت انسان را معرفی کنیم می‌بایست کمال او را در دو بخش مادی و معنوی تعریف کنیم و عقیده ما این است که کامل‌ترین شخصیت در تاریخ شخصیت پیامبر اکرم (ص) است همچنان که در قرآن کریم این آیه نازل شده است (و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل) یعنی بیشتر از ۱۲۴ هزار رسول و پیامبر آمده‌اند که در میان آنها کسی مثل پیامبر اکرم نیست رسول اکرم (ص) از جانب روحی و معنوی شخصیتی متکامل است همچنین از جانب بدنی هم همینگونه است. از جانب معنوی عبادت و نماز و اخلاق و علم که او از این امور اول است و قرآن و روایات معصومین علیهم السلام بر این امر شاهد است و بعد از

رسول اکرم شخصیت متکامل دوم شخصیت حضرت علی علیه السلام است که در قرآن این آیه بر این امر دلالت دارد (و ما ينطق عن الهوى * ان هو الا وحى يوحى) که حضرت علی به منزلت پیامبر است ولی بعد از حضرت محمد پیامبری نیست و در طول تاریخ کسی نیست که بگوید (سلونی قبل ان تفقدونی) یعنی بپرسید از من قبل از اینکه مرا از دست بدهید و حضرت علی علیه السلام شخصیتی متکامل از نظر معنوی و از نظر روحی است و قرآن، روایات و رویدادهای تاریخ بر آن گواه است این کرامت برای حضرت آشکار است که رسول اکرم فرمود (ان ضربه علی يوم الخندق تعادل عباده الثقلين الی يوم القيامة) ضربت علی در روز خندق برابر است با عبادت جن و انس است تا روز قیامت.

ولی اندوهگین است که حضرت در زمانی دیگر آمد که به آنها می‌فرمایند از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید و شخصی از آن میان از او سؤال می‌کند که چند مو در سر من است؟! به اضافه اینکه برخی‌ها سپاهیان را برای مقابله با حضرت آماده می‌کردند و او مشغول رؤیا رویی با ناکثین، قاسطین و مارقین شد و تا الان کینه توزان با حضرت و شیعیانش به خاطر دوست داشتنش از طرف شیعیان و وابستگی آنها به او با حضرت و شیعیانش می‌جنگند

(یریدون ان یطفووا نور الله بافواههم و یابی الله الا ان یتیم نوره ولو کره الکافرون) و علم امروزه تأکید می‌کند که رفتارهای انسان تحت تأثیر ترشح بعضی هورمون‌ها از غدد موجود در بدن انسان و آن غدد که به نوبه خود به صورت مستقیم تحت تأثیر تغذیه انسان می‌باشد و براین اساس گوشت‌های حیوانات همین صفات نفسی موجود در خود را شامل می‌شوند لذا مشاهده می‌کنیم که گوشت هر حیوان حرام شده اثرات و صفات خود را بر مصرف‌کننده‌اش از بنی بشر مثل توحش و بی‌غیرتی و غیره را برجای می‌گذارد.

امام علی نقش وراثت در شکل‌گیری صفات و خصوصیات روحی و اخلاقی را بیان نموده، سپس تأثیر وراثت در سرنوشت به نحو اقتضا ثابت می‌شود و در نهایت، به نقش تربیت و اختیار در سرنوشت انسان به عنوان دو مؤلفه مؤثر بر صفات موروثی پرداخته می‌شود.

حضرت نه تنها اشاراتی به مسأله «وراثت صفات» نموده‌اند که از فحوای کلام ایشان هم به دست می‌آید، بلکه در مواردی به آن تصریح نیز فرموده‌اند. بعد از شهادت فاطمه زهرا علیها السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام برادرش عقیل را - که آشنا به علم نسب‌شناسی عرب بود - فرا خواند و از او خواست که برایش همسری از تبار دلاوران برگزیند تا پسر دلیری برای مولا به ارمغان آورد. عقیل، فاطمه کلابیه را برای حضرت برگزید که قبیله و خاندانش، بنی کلاب، در شجاعت بی‌مانند بودند، و حضرت علی علیه السلام نیز این انتخاب را پسندید. این موضوع نشان‌دهنده علم امام به تأثیر وراثت از طریق فعالیت ژن‌ها است که در چگونگی خلق و خوی و حتی ظاهر انسانها نیز تأثیر گذارند.

در پایان نشست برخی از حضار به ارایه نقطه نظرات خود پرداختند که در قالب مباحثه‌ای علمی شکل گرفت. علاقه‌مندان برای اطلاع از شرح کلی جلسه و بهره‌برداری از فایل تصویری این نشست می‌توانند به آدرس www.imamali.ac.ir مراجعه فرمایند.



نشست علمی:

«معرفی و نقد کتاب شرح شوق و شرح و تحلیل اشعار حافظ»



پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی با همکاری مرکز مطالعات ادبیات فارسی و تحقیقات عرفانی، نشست تخصصی «معرفی و نقد کتاب شرح شوق شرح و تحلیل اشعار حافظ» را با حضور نویسنده کتاب دکتر سعید حمیدیان و نقادان دکتر اصغر دادبه، دکتر حسن انوشه و دکتر غلامرضا خدابنده در تاریخ ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۵ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.

این جلسه با تلاوت قرآن کریم آغاز گردید، سپس دکتر محمدنژاد، رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات، ضمن خوش آمدگویی نکاتی درباره نشست نقد و بررسی کتاب شرح شوق شرح و تحلیل اشعار حافظ، اثر برگزیده سی و دومین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ایراد نمودند، سپس دکتر سعید حمیدیان توضیحاتی درباره کتاب بیان داشتند.

در ادامه نقادان هر کدام به نقد کتاب شرح شوق پرداختند. لازم به ذکر است فایل صوتی و تصویری این نشست بر روی سایت اینترنتی پژوهشگاه موجود است.



نشست «کتاب‌خوان تخصصی زبان‌شناسی» برگزار شد

شکل‌گیری آن، تعریف زبان‌شناسی شناختی و زیرشاخه‌های آن و خاستگاه فلسفی علم شناخت از بخش‌های این فصل است. وی افزود: «فصل دوم با عنوان «مقوله‌بندی» به توضیح این مفهوم از رساله مقولات ارسطو و متافیزیک تا نگاه به مقوله‌بندی به‌عنوان یک سازوکار شناختی اختصاص دارد. فصل سوم با



عنوان «طرح‌واره»، فصل چهارم «استعاره مفهومی»، فصل پنجم «مجاز مفهومی»، فصل ششم «مفهوم‌سازی مکان، حرکت، زمان»، فصل هفتم «چندمعنایی» و فصل هشتم «آمیختگی مفهومی» نام دارد.

«جستاری در زبان و زبان‌شناسی در خاورمیانه» عنوان دومین کتاب معرفی‌شده در این نشست کتاب‌خوان بود که توسط خانم دکتر آتوسا رستم‌بیگ، نویسنده اثر به مخاطبین معرفی شد. رستم‌بیگ با معرفی این کتاب گفت: «جستاری در زبان و زبان‌شناسی در خاورمیانه» پاسخ‌نیازی با محوریت بررسی وضعیت فعلی زبان‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی در دانشگاه‌های خاورمیانه است.

وی افزود: «در مطالعات اولیه برای یافتن منابعی با موضوع زبان‌شناسی در خاورمیانه، دریافتم که بیشتر منابع مربوط به خاورمیانه در کشور ما به مباحث تاریخی این حوزه اختصاص دارد و مباحث فرهنگی به‌ویژه مباحث دانشگاهی کمتر مورد توجه بوده است. «جستاری در زبان و زبان‌شناسی در خاورمیانه» در دو بخش با عنوان‌های «خاورمیانه و پیشینه مطالعات زبان‌شناسی در خاورمیانه» و «موقعیت زبانی و وضعیت زبان‌شناسی در خاورمیانه» نوشته‌شده و شامل چهار فصل است. فصل اول این کتاب با عنوان «خاورمیانه» به مباحثی مانند مرزهای جغرافیایی، جمعیت، تحولات تاریخی، موقعیت قومی، دین و موقعیت زبانی خاورمیانه، می‌پردازد. فصل دوم با نام «پیشینه مطالعات زبان‌شناسی» شامل مباحثی مانند مطالعات زبان‌شناسی در بین‌النهرین، پیشینه زبان‌شناسی در ایران پیش از اسلام، خاستگاه مطالعات زبان‌شناسی بعد از اسلام و... است.

نشست «کتاب‌خوان تخصصی زبان‌شناسی» به کوشش معاونت فرهنگی و اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و با حضور دکتر اشرف بروجرودی، معاون فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر آریتا افراشی، دکتر آتوسا رستم‌بیگ و دکتر حسین صافی؛ نویسندگان، اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و جمعی از استادان و دانشجویان در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

«مبانی معناشناسی شناختی» عنوان نخستین کتابی بود که توسط دکتر آریتا افراشی، نویسنده اثر در این نشست معرفی شد. دکتر افراشی ضمن تقدیر از برگزاری نشست‌های تخصصی کتاب‌خوان، این جلسات را فرصتی برای معرفی آثار پژوهشگران در حوزه‌های مختلف دانست و درباره موضوع این کتاب گفت: «تحقیقات تخصصی خود در حوزه «مبانی معناشناسی شناختی» را از سال ۱۳۷۶ آغاز کرده و از آن زمان به پژوهش، برگزاری کارگاه و سخنرانی در این حوزه پرداختم. حاصل این فعالیت‌ها نگارش کتابی با عنوان «مبانی معناشناسی شناختی» است که در قالب یک درس‌نامه تنظیم و منتشر شد.

وی در معرفی این کتاب گفت: «این کتاب در هشت فصل، حوزه معناشناسی شناختی را به دانشجویان و علاقه‌مندان معرفی کرده و با پیشنهاد عرصه‌های جدید پژوهش، علاقه‌مندان را در انجام پژوهش‌های تازه در این حوزه یاری می‌کند.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: «آماده‌سازی سرفصل‌های این کتاب، بزرگ‌ترین چالش پیش روی تدوین آن بود. چراکه حتی با جست‌وجو در آثار غربی در حوزه معناشناسی شناختی نیز درمی‌یابیم که کتاب‌های این حوزه، غالباً مجموعه‌ای از مقالات مرتبط با این موضوع هستند و کمبود متنی منسجم که در قالب یک درس‌نامه به معرفی موضوع پرداخته باشد، در منابع خارجی هم دیده نمی‌شود.

وی، تألیف این کتاب به قلم یک نویسنده و با رویکردی واحد را از ویژگی‌های این اثر دانست و ادامه داد: «نتایج پیش‌رو، حاصل استخراج مثال‌های پیکره‌ای فراوان است. مثال‌های ارائه شده در این کتاب، ساختگی نبوده و حاصل بررسی زبان فارسی در دوران معاصر است که با کمک دانشجویانم استخراج شده است.

افراشی گفت: «کتاب با پیشگفتاری نسبتاً مفصل آغاز شده که شرایط و جریان معناشناسی شناختی را در ایران بررسی می‌کند. این پیشگفتار مهم‌ترین آثار نگاشته شده در این حوزه شامل: ترجمه، کتاب تألیفی، مقاله و پایان‌نامه را شرح داده و به بیان اهداف نگارش کتاب «مبانی معناشناسی شناختی» می‌پردازد.

وی ادامه داد: فصل اول این کتاب با عنوان «پیش‌زمینه» به تعریف مفاهیم بنیادی این حوزه می‌پردازد. علم شناخت، زمان





عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: «زبان‌شناسی در ایران» عنوان فصل سوم این کتاب است که معرفی زبان‌شناسی در دانشگاه‌های ایران، سازمان‌ها و موسسه‌های پژوهشی مرتبط با زبان‌شناسی در ایران، کتاب‌ها و نشریات و... مربوطه می‌پردازد. «زبان و زبان‌شناسی در خاورمیانه» عنوان فصل چهارم است و شامل بررسی زبان‌شناسی در کشورهای خاورمیانه مانند: اردن، الجزایر، عمارات متحده عربی، بحرین، ترکیه، تونس و... است.

«روایت‌پژوهی در زمانی (سنجش روش قصه‌گویی و داستان‌نویسی در فارسی)» عنوان کتابی از دکتر حسین صافی‌پیرلوجه بود که توسط نویسنده اثر در نشست کتاب‌خوان تخصصی زبان‌شناسی معرفی شد. صافی با بهره‌گیری از خوانش جمله آغازین کتاب در معرفی «روایت‌پژوهی در زمانی» گفت: هدف از این پژوهش، پیشنهاد پاره‌ای ابزارها و روش‌های کارآمد در سخن‌کاوی گفتمان‌روایی است که با توضیح دو پیش‌فرض بیان شده در این جمله، کتاب را معرفی می‌کنم.

وی ادامه داد: «پیش‌فرض اول آن است که تعریف روایت را می‌دانیم و پیش‌فرض دوم بر این اساس است که روایت را موضوعی شایسته برای تحقیق می‌دانیم. نویسنده با این پیش‌فرض‌ها به سراغ ابزارهای کاربردی در بحث روایت‌پژوهی می‌رود.»

صافی، روایت را درک و بیان زمان‌مند تجربه رویدادها دانست و ادامه داد: «روایت، شکلی از تاریخی کردن فهم رویدادها به‌شمار می‌آید. رویدادهایی که می‌توانند خالی از پیوند علی بوده و تنها چینش آن‌ها روی یک خط زمانی، روایت را به وجود آورد.»

وی درباره اهمیت روایت و پژوهش گفت: «اگر این تعریف از روایت را بپذیریم، دیگر کمتر جایی باقی می‌ماند که با روایت مواجه نباشیم. تقریباً هر شناختی از دنیای پیرامون به روایی کردن و در نتیجه تاریخی کردن فهم ما از پیرامونمان، وابسته می‌شود و این‌گونه اهمیت روایت و پژوهش درباره آن مشخص می‌شود.»

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ادامه داد: «اهمیت روایت، زمانی بیشتر می‌شود که بپذیریم ابزار پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی، غالباً تاریخی است. علوم انسانی، معارف تاریخی هستند که نیازمند روایت‌اند و گریزی از آن ندارند. ما در شاخه‌های مختلف علوم انسانی در حال روایت‌پژوهی هستیم و با دیرینه‌شناسی دانش،

فهم‌مان را تاریخی می‌کنیم.» وی علوم انسانی را علمی بر اساس تاریخ و مطالعه آن دانست و تصریح کرد: «تاریخ، یکی از گونه‌های روایت است و معمولاً در زبان متبلور می‌شود؛ بنابراین مطالعه این روایت‌های زبانی، نیازمند ابزارهای زبان‌شناسی است.»

صافی تأکید کرد: «معرفت‌شناسی یا شناخت‌نگری در علوم انسانی نیازمند روایت‌شناسی، روایت‌پژوهی و مطالعه در زمینه روایت است که با ابزار زبان‌شناسی، میسر می‌شود.»

وی با معرفی بخش‌های مختلف این اثر ادامه داد: «کتاب با مقدمه‌ای کوتاه، آغاز شده و در چهار فصل با عنوان‌های «انواع مرزشکنی در داستان‌های نوین فارسی»، «روایت‌گردانی در قصه‌های عامیانه و داستان‌های نوین فارسی»، «ضمیر دوم‌شخص در داستان‌های نوین فارسی» و «کانون‌سازی فرضی و معنی‌شناسی مفهومی در ادبیات داستانی ایران» نوشته شده است.»

گفتنی است؛ پرسش و پاسخ پیرامون مباحث مطرح‌شده در مورد کتاب‌های ارائه شده در این نشست از بخش‌های ویژه نشست کتاب‌خوان تخصصی زبان‌شناسی بود.



صور تجلسه نشست مشترک پژوهشکده ادبیات و

اعضای هیأت مدیره انجمن «نقد ادبی»

پژوهشکده را برای برای همکاری نزدیک با انجمن علمی نقد اعلام کرد. پس از آن خانم دکتر حسینی، رئیس هیأت مدیره انجمن نقد ادبی، به معرفی اجمالی انجمن مذکور پرداخت و از آمادگی انجمن برای همکاری‌های عملی دوجانبه سخن گفت و



جلسه مشترک پژوهشکده زبان و ادبیات و اعضای هیأت مدیره انجمن «نقد ادبی»، روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۸ با حضور دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، دکتر محمدنژاد و خانم‌ها دکتر حیاتی و دکتر شریف‌نسب از پژوهشکده زبان و ادبیات، و خانم دکتر حسینی، رئیس هیأت مدیره انجمن نقد ادبی، و آقایان دکتر حری، دکتر شعیری، دکتر مختاباد، دکتر ذوالفقاری و دکتر خدایار و دکتر بابک‌معین از انجمن نقد، در دفتر رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات برگزار شد.

در ابتدای این جلسه، دکتر قبادی، ضمن خوشامدگویی به اعضای هیأت مدیره انجمن نقد ادبی، به دو اصل مهم برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه، شامل اصل ارتباط با انجمن‌های علمی و تخصصی، از جمله انجمن نقد ادبی و استفاده از ظرفیت‌های علمی و تخصصی این انجمن‌ها برای تحقق اهداف برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه و اصل ترویجی‌سازی علم، از رهگذر برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های

تخصصی مشترک اشاره و تأکید کرد؛ پژوهشگاه آمادگی دارد در حوزه ظرفیت‌سازی و ایجاد زیرساخت‌ها به‌خصوص در چارچوب طرح اعتلای علوم انسانی با انجمن علمی نقد ادبی همکاری کند.

در ادامه دکتر محمدنژاد، رئیس پژوهشکده ادبیات، به معرفی پژوهشکده و گروه‌های پژوهشی آن پرداخت و آمادگی

پیشنهادهایی به شرح زیر برای همکاری دوجانبه ارائه داد:
- برگزاری نشست‌های تخصصی در برخی زمینه‌های تخصصی، شامل الف- آشنایی با ادبیات جهان و معرفی رویکردهای نوین نقد ب- آشنایی با مکتب‌های ادبی جهان و شیوه‌های ورود آن‌ها به ادبیات، ج- فارسی روایت‌شناسی در ادبیات (سینما و...)، د- نشانه‌شناسی در ادبیات (سینما و...)، ه- نشانه‌شناسی فرهنگ، و نشانه-اسطوره‌شناسی

- معرفی رساله‌های دکتری برتر در حوزه نقد و نظریه‌های ادبی
در پایان مقرر شد انجمن نقد ادبی در جلسات داخلی خود، چند موضوع منتخب برای برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی در پژوهشگاه طی سال آتی اعلام نماید. همچنین مقرر شد در جلسات آتی، درباره تولید متون درسی و فرادرسی در حوزه نقد و نظریه‌های ادبی از طریق همکاری مشترک طرفین، تصمیم‌گیری شود.



شورای مشترک پژوهشکده ادبیات و هیأت مدیره انجمن «ترویج زبان و ادبیات فارسی»

شورای مشترک پژوهشکده ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و هیأت مدیره انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی در تاریخ سه‌شنبه ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ با حضور آقایان دکتر محمدنژاد، دکتر رفیعی، دکتر شعبانلو و خانم دکتر شریف‌نسب از پژوهشکده ادبیات و آقایان دکتر میرباقری، دکتر کهدویی، دکتر حسن‌لی، دکتر یاحقی و خانم‌ها دکتر مختاری و دکتر دری از انجمن ترویج، برگزار شد. اهم پیشنهادهای مطرح‌شده در جلسه از این قرار است:

۱- **پیشنهاد همکاری با انجمن ترویج در چارچوب طرح اعتلای علوم انسانی**، در این زمینه پیشنهاد شد که فایل تفصیلی طرح اعتلای علوم انسانی برای دبیرخانه انجمن ترویج ارسال گردد تا بر اساس آن، اجرای طرح‌های با محوریت موضوعات زیر، در دستور کار قرار گیرد:

- پیشنهاد اجرای مشترک طرح کلان «آسیب‌شناسی وضعیت موجود در آموزش ادبیات فارسی در همه مقاطع» و نیز «آسیب‌شناسی وضعیت فارغ‌التحصیلان بی‌کار».

- پیشنهاد اجرای مشترک طرح کلان «وضعیت پژوهش‌های علوم انسانی خصوصاً ادبیات فارسی - در دو یا سه دهه گذشته».

- پیشنهاد اجرای مشترک طرح کلان «بررسی ظرفیت‌های کاربردی نمایشی متون ادبی به‌منظور تألیف نمایشنامه».

- پیشنهاد اجرای مشترک طرح «آسیب‌شناسی پژوهش‌ها و آموزش‌های خارجیان در حوزه زبان و ادبیات فارسی».

۲- **پیشنهاد همکاری با انجمن ترویج در چارچوب فعالیت‌های شورای بررسی متون**، در این زمینه اعضای حاضر در جلسه درخواست کردند گزارش مبسوطی در زمینه کم و کیف فعالیت این شورا ارائه گردد تا هیأت مدیره انجمن در خصوص همکاری با آن شورا، اعلام نظر کند.

۳- **پیشنهاد همکاری با انجمن درخصوص عضویت پیوسته یا وابسته اعضای انجمن در قطب‌های علمی پژوهشکده ادبیات** که این پیشنهاد مورد پذیرش اعضا قرار گرفت.

۴- **پیشنهاد همکاری با انجمن ترویج برای انتشار مجله‌های چند زبانه جهت ترویج زبان و ادبیات فارسی و معرفی شاهکارهای ادبی ایران** که این پیشنهاد به صورت اصولی مورد موافقت قرار گرفت.

۵- **پیشنهاد همکاری با انجمن ترویج برای برگزاری نشست‌های تخصصی موضوعی و هدفمند در قالب سلسله نشست‌های سالانه به منظور ایجاد جریان‌های مختلف تخصصی**.

در پایان مقرر شد فرم تفاهم‌نامه پژوهشگاه برای دبیرخانه انجمن ترویج ارسال گردد تا پس از اعلام نظر آن‌ها، زمینه برای امضای تفاهم‌نامه میان طرفین، فراهم آید.



نشست «تولید فضای تهرانِ پسا انقلابی»

به همت معاونت فرهنگی - اجتماعی پنجمین نشست رساله‌های علوم انسانی و نیازهای جامعه، با ارائه رساله دکترای دکتر ایمان واقفی با عنوان «تولید فضای تهرانِ پسا انقلابی» در روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین‌ماه برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر ایمان واقفی اظهار داشت: «من در دوره تحصیل در رشته جامعه‌شناسی، به مطالعات شهری علاقمند شدم و در دوره دکترای خود که در دانشگاه دورهام انگلستان سپری کردم، به نظرم آمد نظریه انتقادی شهر، که توسط جامعه‌شناس فرانسوی لوفور مطرح شده، می‌تواند مبین خوبی از وضعیت شهرهای کلان به‌ویژه شهر تهران باشد و لذا در دپارتمان جغرافیای دانشگاه دورهام، رساله خود را با محوریت این تئوری جلو بردم.»



وی تأکید کرد: «در مقابل تئوری‌های غربی باید نه مقهور شویم و درست آنها را بپذیریم و نه آنها را به کلی رها کنیم، بلکه باید با مطالعه آنها، بخشی که مناسب وضعیت جامعه ماست، اخذ کنیم و نکات تئوریک را که در مطالعات خود به آن می‌رسیم، به آن بیفزاییم.» دکتر واقفی در ادامه با تفکیک بخش نظری و عملی رساله‌اش، به تبیین نظریه مدنظر خود پرداخت و گفت: «این نظریه براساس فرآیند اقتصاد سیاسی شهر است که شهر را می‌سازد. این نظریه اقتصاد را به زیربنای جامعه تقلیل نمی‌دهد، اما اعتقاد دارد علاوه بر اینکه نهادها، مصالح و چرخش سرمایه در ساختن شهر مؤثر است، بازنمایی ایده‌ها و ایدئولوژی‌ها در قوانین شهری، طراحی

شهری و همچنین زندگی روزمره و کنش‌های شهروندان نیز در ساختن شهر تأثیرگذار است و در همه این موارد می‌توان سایه اقتصاد را بر آنها ملاحظه کرد.»

وی افزود: «تطورات شهر تهران را با این سه عنصر می‌توان در دوره‌های مختلف اعم از دوره‌های قاجار که ابتدای شکل‌گیری شهر تهران است تا دوره پهلوی و انقلاب پی گرفت و در نهایت دوره پسا انقلاب را مدنظر قرار داد.»

وی ضمن تشریح مکانیزم دیالکتیک در این فرآیند و تشریح نوع گسست و پیوستی که هر دوره نسبت به دوره قبلی دارد، تأکید کرد: «تاریخ شهری تهران در مواجهه با غرب آغاز می‌شود که در پی شکست در جنگ‌های ایران و روسیه، این تفکر به وجود آمد که باید نعل به نعل مانند آنها حرکت کنیم تا به پیشرفت برسیم و لذا بناهایی آن دوره همچون شمس‌العماره بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به غرب و با تقلید از آنها شکل گرفت. بنابراین شاهد آن هستیم که شهر تهران از معماری اسلامی گسست پیدا کرده و به سمت معماری نوین حرکت می‌کند. علاوه بر این حرکت شهر به سمت صنعتی شدن را شاهد هستیم.»

این دانش‌آموخته دانشگاه دورهام سپس به دوره انقلاب اشاره کرد و افزود: «انقلاب اسلامی به نوعی نفی مدرنیسم و مدرنیسم‌پسند



شهری بود و لذا در عین حالی که دوره پهلوی نقد شد، عناصری از دوره پهلوی استمرار پیدا کرد. در این دوره ایده شهر نه غربی و نه شرقی و یا شهر انقلابی و اسلامی مطرح شد. اسامی کوچه‌ها و خیابان‌ها تغییر یافت و بساط شهر نو و کاباره‌ها، مشروب فروشی‌ها و... از سطح شهر جمع گردید. اما در دوره بعد از جنگ شاهد چرخش بارز شهری به سمت نئولیبرال هستیم، در عین حالیکه بعضی عناصر دوره انقلابی در این دوره امتداد پیدا کرد.

وی سپس نقش عناصر اقتصادی در شکل‌گیری شهر را برشمرد و خاطر نشان کرد: «ما تا دهه ۱۳۲۰ شاهد هستیم که اقتصاد روستاها خودبسنده است و به خود متکی هستند. اما پس از آن و با ادغام ایران در بازارهای جهانی این روند تغییر یافت و روستاها به سمت کاشت محصولات هم چون توتون و تنباکو رفتند که در بازارهای جهانی خریدار داشت و لذا روستا به شهر متکی شد، در صورتیکه تا پیش از آن، این شهر بود که به روستا متکی بود.»

دکتر واقفی در ادامه اظهار داشت: «در دوره پهلوی با ورود دلارهای نفتی که به ایران آمد، اقتصاد شهری تغییر کرد و از همین دوره زمین به عنوان یک «کالا» مطرح شد، در حالیکه تا پیش از آن خرید و فروش آن به صورت کالا مطرح نبود. به دنبال آن صنایع مختلف در تهران و حواشی آن تمرکز می‌یابد و حجم عظیمی از نیروی کار برای مراکز صنعتی از روستاها به تهران هجوم می‌آورند. علاوه بر این با ساخت نهادهای جدید همچون آموزش، بهداشت و ارتش، طبقه متوسط و بوروکرات جدید شکل می‌گیرد و شهر تهران مرکز مناسبات اقتصادی می‌گردد. بنابراین تهران دچار تغییر ساختاری از ساختار قبیله‌ای به ساختار جنوب و شمال می‌گردد. در حالیکه پیش از آن در محلات، فقیر و غنی در کنار هم و یا صاحب‌خانه و مستأجر در کنار هم زندگی می‌کردند و بیشتر متأثر از قوم و قبیله بود و لذا محلاتی همچون ارمنی‌ها، ترک‌ها، شمالی‌ها و... شکل گرفته بود. این تغییر ساختار در ادامه منجر به شکل‌گیری طبقه فرودست در حاشیه شهرها گردید.» این پژوهشگر مطالعات شهری با یادآوری دوره انقلاب تأکید کرد: «در دوره انقلابی، مناسبات ملی به جای مناسبات جهانی در شهر ظهور می‌کند و نهادهای انقلابی نیروهای خودش را می‌سازد. در این دوره به دلیل اینکه انقلاب مستضعفان بود، نهادهای انقلابی، زمین را به نفع طبقه انقلابی و مستضعف صادره کردند و لذا حجم عظیمی از مستضعفان به درون جمعیت تهران آمدند و در شهر جای داده شدند. البته برابری طبقات اتفاق نیفتاد، بلکه بیشتر جابجایی طبقات بود که در نتیجه آن طبقات بیشتری منتفع شدند.»

وی همچنین گفت: «ویژگی دیگر این دوره محدود شدن امر جنسی در سطح شهر است و به دنبال آن برجسته شدن المان‌های اسلامی همچون حجاب در شهر است. به طور کلی شاهد فرآیند بیرونی شدن اندرونی و اندرونی شدن بیرونی هستیم. زنانی که تا پیش از مدرنیت، درونی بودند به عرصه بیرونی می‌آیند که در دوره انقلاب ادامه می‌یابد ولی با عنصر حجاب بروز پیدا می‌کند. اما امرجنسی که بیرونی بود، در دوره انقلاب به اندرونی خانه‌ها منتقل می‌شود، بدون آنکه محو شود.»

دکتر واقفی در نهایت به دوره پسا انقلابی اشاره کرد و افزود: «در این دوره اقتصاد شهری دچار مشکل شد و لذا دیگر نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. به دنبال آن با دستورالعمل بانک جهانی، مباحثی همچون خصوص‌سازی، آزادسازی تجاری و... اجرایی شد و در نتیجه شهر دوباره به سمت کالایی شدن پیش رفت. در همین دوره بود که پاساژهایی همچون پاساژ ایران زمین راه اندازی شد. رنگ‌ها به تهران وارد شد و طرح‌های شهری همچون ساختن اتوبان یا پروژه نواب اجرایی شد.»

وی در انتها خاطر نشان کرد: «این سیاست‌ها که به سیاست‌های نئولیبرال شهرت دارد، منجر به پرت شدن بسیاری از آدم‌ها به حاشیه شهرها شد و در نتیجه ما شاهد شورش حاشیه علیه متن هستیم. لذا در همین دوره قیام‌های شهری همچون اسلام‌شهر شکل گرفت. در پایان این جلسه حاضران به پرسش و پاسخ پرداختند.»



اولین کارگاه آموزشی بین‌المللی

«تفسیر هرمنوتیک کتاب‌های مقدس (قرآن - انجیل)»



آقای دکتر کلاس فون اشتوش در موضوع «کلام خداوند: از منظر الهیات سیستماتیک» سخنرانی کرد، سپس دکتر پارسا مقاله‌ای با عنوان «کاربرد نظریه دریافت در تحلیل تفاسیر ایرانیان از قرآن کریم» ارائه داد. دکتر احمد پاکتچی نیز سخنران بعدی بود که مقاله‌ای ارائه داد. در روز سوم دکتر گروبر مقاله‌ای با عنوان «بهشت گمشده دوباره پدیدار خواهد شد» ارائه و سپس دکتر میری با موضوع «متن مقدس و رابطه آن با جهان معاصر» سخنرانی کرد. مقاله دکتر مریم قبادی با عنوان «مطالعه تطبیقی هرمنوتیک و تأویل نزد مسلمانان» آخرین بحث نوبت صبح کارگاه روز سوم بود که قرائت شد. برنامه سمینارها در روزهای دوم و سوم بر اساس موضوع روز اول پیگیری می‌شد و هر یک از دانشجویان باید تکالیفی که به آنها محول شده را ارائه دهند. این کارگاه اگرچه نخستین تجربه پژوهشکده مطالعات قرآنی در برگزاری یک برنامه بین‌المللی بود ولی به لطف خداوند و تلاش اعضای پژوهشکده به خوبی برگزار گردید و با استقبال خوبی مواجه شد و دانشجویان و اساتید از دانشگاه‌های مختلف ایران در آن حضور داشتند. این کارگاه در پایگاه استادی جهان اسلام به ثبت رسید و برای شرکت‌کنندگان گواهینامه صادر گردید و مقالات این کارگاه در یکی از نشریات بین‌المللی به چاپ خواهد رسید.

به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، اولین دوره کارگاه آموزشی بین‌المللی «تفسیر هرمنوتیک کتاب‌های مقدس»، با مشارکت گروه ۶ نفره از اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های آلمان، در روزهای ۷ الی ۹ اسفندماه ۱۳۹۵ مطابق با ۲۵ الی ۲۷ فوریه ۲۰۱۷ از ساعت ۹ صبح تا ۱۷ بعدازظهر در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت برگزار گردید.

این کارگاه به زبان انگلیسی و در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد؛ در هر سه روز اساتید ایرانی و آلمانی مقالاتی در نوبت صبح ارائه و در نوبت بعدازظهر اساتید آلمانی و ایرانی دو سمینار داشتند که طی آن گفتگو میان اساتید و دانشجویان جریان داشت.

در افتتاحیه این برنامه، دکتر فروغ پارسا مسئول پژوهشکده مطالعات قرآنی و دبیر علمی کارگاه، ضمن خوش‌آمدگویی به حضار و میهمانان داخلی و خارجی به گونه اجمالی پژوهشکده مطالعات قرآنی و راهبردها و اولویت‌های پژوهشی آن را معرفی کرد و تأکید کرد که این کارگاه در راستای راهبرد پژوهشکده در خصوص گسترش ارتباطات بین‌المللی و الویت پژوهشی مطالعات تطبیقی کتب مقدس برنامه‌ریزی شده است. وی ضمن تشکر از ایده‌پردازی دکتر کلاوس فون اشتوش و دیگر دست‌اندرکاران، هدف بنیادی این برنامه را گفتگوی بین‌الادیانی دانست و خواستار تداوم آن شد. آقای دکتر کلاوس فون اشتوش نیز در آغاز ضمن تشکر از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی این برنامه را برای اساتید و دانشجویان بسیار مفید دانست.

عنوان سخنرانی دکتر احمد پاکتچی در روز نخست «ریشه‌یابی رویکردهای هرمنوتیک بوبین در سنت تفسیری مسلمانان» بود. در ادامه پروفسور اگبرت بارلهورن در موضوع «رسالت ابراهیم از منظری دیگر» ارائه مقاله داشت و در انتهای جلسه پرسش و پاسخی میان سخنرانان و شرکت‌کنندگان برگزار و به سؤالات حضار پاسخ داده شد. در نوبت عصر؛ دکتر فاطمه توفیقی به همراه



خانم دکتر گروبر، کارگاه مشترکی را با مشارکت دانشجویان پیرامون مریم (س) در کتب مقدس برگزار نمودند. سمینار بعدی توسط دکتر هلگا کلمن و دکتر سید جواد میری آن را اداره شد. روز دوم کارگاه نخست،



«بررسی و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۹۶»

اولین جلسه پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل در سال ۱۳۹۶ روز سه‌شنبه بیست و نهم فروردین‌ماه در محل پژوهشکده تشکیل شد. موضوع جلسه «تحلیل انتخابات پیش روی ریاست جمهوری اسلامی ایران» بود که با حضور اعضای هیأت علمی پژوهشکده برگزار گردید. یکی از اساتید در صحبت‌های خود چند نکته را یادآور شد: «موضوع انتخابات فرصتی است که کارهای مطالعاتی روی وقایع سیاسی- اجتماعی داشته باشیم. ما اگر بخواهیم مشارکتی در این امر داشته باشیم ابتدا باید بتوانیم تحلیل و تفسیر و



یا نظریه‌پردازی از وقایع داشته باشیم و این همان چیزی است که مورد نیاز مردم است. حوزه اقتصاد تبدیل به مهمترین مسئله اجتماعی و سیاسی در این انتخابات شده است. اجرای اقتصاد مقاومتی که در مقابل اقتصاد لجام گسیخته و بیمار شبه لیبرالی موجود عرضه شده است، مطالبه اصلی مردم از دولت آتی می‌باشد.» عضو هیأت علمی دیگری ادامه داد: «سیاست عرصه محدودی است که به مناسبات قدرت و نیازهای عامه مردم برمی‌گردد و در طول تاریخ تغییر آنچنانی پیدا نکرده است. بحث‌های اقتصادی و موارد مرتبط با معیشت مردم در همه کشورها حرف اول را می‌زند.»

یکی دیگر از اساتید با اشاره به اینکه هر دولتی که روی کار بیاید باید با دو محیط داخلی و بین‌الملل کنار بیاید و گشایشی در آنها ایجاد کند ادامه داد: «محیط داخلی عمدتاً تحت تأثیر بحث اقتصاد و رکود موجود است و دولتی که می‌آید حتی اگر گشایش مختصری ایجاد کند خوب است. محیط بین‌الملل نیز پیچیده شده است و علی‌رغم اینکه قدرت داریم و تعیین کننده هستیم اما قدرت مانور دیپلماسی کمی داریم. این دو مسئله از الزامات دولت آینده است. مباحث انتخابات تأثیرگذار در برنامه‌ها و تحولات آینده کشور خواهد بود. استاد دیگری اینگونه ادامه داد: حضور جامعه دانشگاهی در انتخابات به دو معنا ممکن است. اینکه بخواهیم در آرای عمومی تأثیر بگذاریم که نمی‌توان مستقیماً در یک زمان اندک بر آرای عمومی اثر گذاشت. اما تأثیرگذاری بر فضای ژورنالیستی و کاندیداها ممکن است. از مواردی که باید مورد توجه قرار گیرد اینکه دولت در ایران زیاد جدی گرفته نشده است و جایگاه آن بخوبی تبیین نشده است و افراد براحتی از مسئولیت خود سرباز می‌زنند.»

در پایان جلسه مقرر شد که جلسات دیگری با موضوع انتخابات با سرفصل‌های مشخص برگزار شود و اساتید دیدگاه‌های خود را بیان کنند.



گزارشی از جلسات دفاعیه‌ها

دفاعیه سید مصطفی تقوی مقدم (دانشجوی دکتری علوم سیاسی)

پاسخ‌هایی که این جریان‌ها در عرصه اندیشه و اجرا به مطالبه یادشده داده‌اند، تحلیل شد.

در این راستا، نهضت مشروطه به عنوان یک پاسخ مهم و کلان به مطالبات جامعه، و تأثیری که بحرانها و سرنوشت آن بر تحولات و اندیشه و عمل جریان‌ها و متفکران پس از آن، از جمله امام خمینی، داشت، و همچنین، اقدامات سلسله پهلوی که به اختلال تعامل علمای شیعه و سلاطین، و به تقابل حکومت با جامعه و در نتیجه، به تعمیق تهدیدها و تشدید مطالبات انجامید، و به همان نسبت، پاسخ بنیادی تری می‌طلبید، نیز تبیین گردید. ضمن تبیین ادامه و تشدید تهدید و تحقیر از سال ۱۳۴۱ به بعد، پاسخ و مواضع مهمترین جریان‌های فکری و سیاسی (ملی، ملی-مذهبی، مذهبی) در این دوره تبیین شدند و برای تبیین پاسخ و مواضع امام خمینی؛ زمینه‌های شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر شخصیت و اندیشه‌ها و عمل وی، نقطه عزیمت اندیشه و رویکرد تمدنی ایشان به مقوله‌های ایران و اسلام و استعمار، مراحل اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی سیاسی و ابتکارات علمی ایشان در بازتفسیر مفاهیم و آموزه‌های دینی، مبانی نظری رفتار سیاسی و مواضع ویژه ایشان به تفصیل، تبیین شدند.

سپس ضمن تبیین شاخصه‌های رفتار سیاسی امام، مراحل و مصادیق تجلی بینش و روش ویژه و منحصر به فرد ایشان در قبال اقدامات رژیم پهلوی و خلق رویدادهای مهم سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۴۱، به حاشیه راندن جریانهای سازشکار و خنثی کردن اقدامات رژیم و آمریکا برای مهار انقلاب، و گسترش و تعمیق مبارزه تا پیروزی نهایی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تبیین شدند. در ادامه، به نقش همین بینش و روش ویژه در مدیریت جامعه پسا انقلابی و تثبیت و استقرار ارکان نظام و سازماندهی و هدایت ساختار حقوقی و تدوین قانون اساسی آن در جهت اهداف انقلاب اسلامی، پرداخته شد.

بدین ترتیب، این پژوهش بر پایه یافته‌ها و مستندات خود، این نظریه را که «مبانی معرفتی ویژه امام خمینی در درک نیاز و مطالبه بنیادین جامعه، و روش ویژه و ابتکاری و منحصر به فرد ایشان در طرح و پی‌گیری و تحقق این مطالبه، علت تحقق انقلاب و تأسیس جمهوری اسلامی» است، تبیین کرده

موضوع: مبانی و روش رهبری امام خمینی از نظریه‌پردازی انقلابی تا مدیریت جامعه پسا انقلابی
استادان راهنما: دکتر مصطفی ملکوتیان، دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر

استادان مشاور: دکتر فرهاد زیویار، دکتر علیرضا ملائی توانی
استادان داور: دکتر مالک شجاعی، دکتر منوچهر محمدی، دکتر موسی فقیه حقانی

این جلسه مورخ ۹۵/۱۲/۸ ساعت ۱۶ با حضور هیأت داوران رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به مباحث اندیشه سیاسی در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه، دانشجو در ۲۵ دقیقه ضمن ارائه رساله خود، در خصوص مهمترین نکات طرح شده در رساله حاضر به بیان نتایج و دستاوردهای رساله خود به شرح ذیل پرداخت: این رساله در حوزه نظریه‌های مربوط به چرایی و چگونگی شکل‌گیری انقلاب و نظام اسلامی در ایران، تبیین جایگاه مبانی و روش امام خمینی در تحقق این رخداد را مورد بررسی قرار داد. فرضیه پژوهش این است که: اندیشه و عمل ویژه امام خمینی موجب رویدادها و تحولاتی شد که به تحقق انقلاب و نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه انجامیدند.

بدین منظور، پس از طرح کلیات، با توجه به ماهیت موضوع رساله و نقش شخصیت‌ها در روند رویدادها و تحولات اجتماعی؛ مفاهیم شخصیت، جامعه، و نظریه‌های مربوط به رابطه این دو، از منظر متفکران غرب و اسلام مطرح شده و نظریه استاد شهید مرتضی مطهری به عنوان پایه نظری پژوهش قرار گرفت.

برای درک جامعه ایران در عصر امام خمینی و پیوند آن با اندیشه و عمل وی، به مراحل شکل‌گیری هویت تمدنی ایران اسلامی شیعی و تحول و تکامل ساختار آن، از آغاز تا اول دوره قاجاریه پرداخته شد. پس از آن، رویارویی نابرابر ایران دوره قاجاریه با تمدن و استعمار غرب و تهدیدهایی که از این ناحیه متوجه بنیان اقتدار و استقلال و هویت ملی کشور شده بود، و قرارگرفتن رفع این تهدیدها به عنوان نیاز حیاتی و مطالبه ملی، و ظهور جریان‌های ملی‌گرا، غرب‌گرا و اسلام سیاسی، و



و فرضیه رساله خود را اثبات نمود.

دستاورد نظری این رساله نظریه‌ای است که:

ضمن توجه به نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی انقلاب، از مطلق‌انگاری این عوامل اجتناب کرده و تأثیر آنها را در ذیل عامل مهم و بنیادین هویت و استقلال کشور مورد توجه قرار می‌دهد.

ضمن توجه به عوامل سیاسی و تأثیر استبداد رژیم پهلوی، حوزه و سقف مطالبات جامعه و انقلاب را فراتر و ریشه‌دارتر از این امر می‌داند.

ضمن اصالت قائل شدن برای نقش عنصر فرهنگ و اسلام شیعی به عنوان رکن هویت جامعه که مورد مطالبه انقلاب بود، دیدگاه ابزار گرایانه را نقض کرده و افزون بر این، کاستی دیدگاه‌های مبتنی بر نظریه «کاریزما» و «جامعه توده‌وار»، کاستی دیدگاهی را که به‌طور عام بر نقش اسلام و مردم و رهبری در تحقق انقلاب تأکید دارد نیز روشن می‌سازد. و بر آن است که دیدگاهی که بر نقش عمومی اسلام و مردم و رهبری در انقلاب تأکید دارد، ضمن اینکه عام و ابطال‌ناپذیر بوده و آن را از حالت علمی بیرون می‌برد، به علت عدم تفکیک نقش عوامل سه‌گانه یاد شده، و تعیین اولویت تقدم و تأخر رتبی و عملی آنها، شناخت دقیقی از این رخداد ارائه نمی‌کند. بلکه امکان دارد منجر به ایجاد انتظار غیر واقع‌بینانه از اسلام و جامعه و در نتیجه، خطا در فهم انقلاب نیز بگردد. در حالی که در دیدگاه مطرح شده در این پژوهش، ضمن توجه به علل بعید و قریب انقلاب، این نتیجه به دست می‌آید که اسلام و روحانیت و مرجعیت و مردم، فی نفسه عامل تحرک و تحول و انقلاب نشدند، بلکه مبانی و قرائت ویژه امام خمینی از اسلام و سیاست و جامعه و جهان، و مبانی رفتاری و روش ویژه ایشان توانست این عوامل را فعال کرده و تحول ایجاد کند.

سر انجام اینکه: نظریه مطرح شده در این پژوهش، این دستاورد کاربردی و عملی مهم را نیز خواهد داشت که با توجه به ضرورت استمرار رستاخیز جوامع اسلامی و احیاء حوزه تمدنی اسلام و نقش‌آفرینی آن برای بشریت پس از تمدن غرب، حوزه تمدن اسلامی به شدت نیازمند عبور از قرائت منفعلانه از اسلام، و توجه به مبانی و روش امام خمینی است. عدم توجه به مبانی و روش امام خمینی، و این پندار که اسلام و روحانیت و مرجعیت به مفهوم عام آن و به طور خودکار، عامل تحول در جوامع اسلامی می‌شوند، تهدیدی است که آینده جریان بیداری اسلامی و تمدن‌سازی آن را تهدید می‌کند. نظریه این پژوهش، توجه محافل علمی و سیاسی را به ضرورت پی‌گیری سازو کار تبیین، ترویج، الگوسازی و نهادینه کردن این مبانی و روش در حوزه‌ها و جوامع اسلامی به عنوان یک تجربه موفق و کارآمد، جلب می‌کند.

در ادامه جلسه آقای دکتر منوچهر محمدی، داور مدعو خارجی رساله به نقد و ارزیابی رساله پرداختند. ایشان ضمن تقدیر از

زحمات دانشجو و ارزش علمی رساله ایشان، و تأیید اینکه دانشجو به‌خوبی از عهده تبیین موضوع رساله که از موضوعات بسیار مهم و ضروری بوده بر آمده‌اند، بیان کردند که افزون بر مفاهیم تعریف شده در رساله، مناسب است که مفاهیم دیگری از قبیل: نیروهای سیاسی و نیروهای اجتماعی نیز تبیین بشوند. همچنین، دانشجو همانگونه که به نقش دولت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد در تحولات ایران به خوبی پرداخته‌اند، مناسب است که به نقش دولت استعماری بریتانیا در این باره توجه بیشتری داشته باشند. علاوه بر این، مناسب است که مواردی چون موضع حزب زحمت‌کشان در حوادث سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ و موضع دولت موقت در قبال رفراندوم جمهوری اسلامی و نقش دکتر علی شریعتی نیز اشاره بشود. سرانجام اینکه مباحث این رساله بدون تکیه به نظریه استاد شهید مطهری نیز کامل هستند به گونه‌ای که اگر نظریه ایشان هم مطرح نشود، نقصانی متوجه مباحث رساله نخواهد شد. همچنین، نقد نظریه‌های انقلاب در مباحث پایانی رساله نیز ضرورتی نداشته و بهتر است حذف شوند.

در ادامه، دکتر مالک شجاعی داور داخلی رساله نیز به ارائه ارزیابی خود از رساله پرداختند. ایشان ضمن تأیید ارزش علمی رساله و تقدیر از زحمات دانشجو، بر لزوم ارتباط میان عنوان و سؤال‌ها و فرضیه و مباحث جمع‌بندی رساله را یادآور شدند. همچنین، ایشان بر نمود بیشتر عنوان رساله در عناوین فصول رساله توجه داده‌اند. ایشان ضمن نقد این رویکرد پوزیتیویستی که دانشجو را ملزم به ارائه بحثی نظری می‌کند، معتقد بود که مباحث این رساله بدون تکیه به نظریه استاد شهید مطهری نیز قابل تبیین و اثبات هستند ولی برای تبیین نظر استاد مطهری می‌توان به آثار دیگر ایشان نیز توجه شود. در پایان اظهار داشتند که موارد یاد شده جنبه تکمیلی داشته و از شأن علمی رساله نمی‌کاهند. دکتر موسی حقانی داور دوم مدعو خارجی به علت گرفتاری غیرمترقبه موفق به حضور در جلسه نشدند.

پس از بیانات اساتید داور، دانشجو ضمن پذیرش برخی از اصلاحات مورد نظر هیأت داوران، در دفاع از رساله خود اظهار داشت که هدف رساله حاضر تلاش برای رفع کاستی‌های موجود در رویکردهای نظری مختلف در زمینه تحولات ایران معاصر، انقلاب اسلامی و مبانی و روش امام خمینی، و در نهایت دستیابی به یک مدل تحلیلی جامع‌تر در این باره است.

دکتر زیویارمشاور اول رساله در ارائه نظرات خود تکیه نظری رساله بر دیدگاه استاد شهید مطهری را ضروری و متناسب با محتوای رساله دانست. تبیین مراحل تکوین اندیشه و عمل امام و درک و اقدام متفاوت ایشان نسبت به دیگران را از ویژگی‌ها و برجستگی‌های رساله دانست. اظهار داشت مباحث رساله و نکات بدیع مطرح شده در آن و گستره منابع مورد استفاده دانشجو نشان می‌دهند که برای تدوین این رساله دانشجو تلاش فراوانی انجام داده و رساله‌ای قابل اعتنا در موضوع مورد بحث فراهم

دفاعیه فاطمه احمدی دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی)

موضوع: بررسی نیایش سرودهایی خطاب به نفس زنده (متن‌هایی به زبان‌های سغدی، پارتی و پارسی میانه از مجموعه تورفان برلین)

استاد راهنما: دکتر زهره زرشناس
استادان مشاور: دکتر کتایون مزدپور، دکتر امید ملاک بهبهانی

استادان داور: دکتر فرزانه گشتاسب، دکتر پریسا درخشان مقدم، دکتر ویدا نداف

این جلسه مورخ ۹۵/۱۲/۱۰ با حضور هیأت داوران رساله سالن پژوهش ساختمان فرهنگ برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه، دانشجو در ۲۰ دقیقه ضمن ارائه رساله خود، در باب بخش‌بندی رساله و مهم‌ترین نکات طرح شده در هر بخش پرداخته و سپس نتایج و دستاوردهای رساله خود را به شرح ذیل بیان نمود:

نخست اینکه پاره‌ای قطعه‌ها در اینجا برای نخستین بار خوانده و یا به مجموعه افزوده شده‌اند. بازخوانی و ویرایشی جدید نیز از مابقی قطعه‌ها در این رساله ارائه گردیده است.

دوم آن که ارائه این متون، که همگی به یک موضوع خاص می‌پردازند، در یکجا و یک منبع امکان مقایسه بهتر میان این سرودها را فراهم آورده است.

سوم آن که در این رساله جداولی برای نخستین بار ارائه گردیده‌اند که برای ساماندهی مطالب بسیار مفید می‌باشند.

سرانجام این که چون متون مانوی اغلب متونی ترجمه‌ای هستند و ترجمه نیز توسط مترجمان مختلف انجام شده است، تفاوت‌های ساختاری بسیاری میان این دسته متون مشاهده می‌گردد و نیز تفاوت‌های صرفی و نحوی، که میان این دو خانواده زبانی شرقی و غربی وجود دارد، نیز قابل مشاهده و بررسی بیشتر است.

در ادامه جلسه خانم دکتر فرزانه گشتاسب، داور داخلی رساله به نقد و ارزیابی رساله پرداختند. ایشان با تأکید بر کارآمد بودن پژوهش انجام گرفته، به برخی از ابهامات موجود در رساله پرداختند. ایشان یکی از نکات جهت بازنگری در رساله را بازترسیم بخش‌بندی رساله و جابجایی بخش‌های آن عنوان داشتند و اینکه بهتر است این بخش‌بندی با محوریت گفتار دوم رساله صورت پذیرد.

دکتر پریسا درخشان مقدم داور مدعو خارجی نیز در ادامه به ارائه

کرده است.

دکتر ملائی‌توانی مشاور دوم رساله نیز در تکمیل مباحث دیگر اساتید بر ماهیت میان رشته‌ای موضوع رساله و دشواری پژوهش در این زمینه تأکید کرده و با توجه به سابقه علمی و پژوهشی دانشجو و دیگر تألیفات او، و گستره منابع مورد استفاده وی، رساله ایشان را حاصل زحمات زیاد دانسته و آن را مثبت و قابل اعتنا ارزیابی کرد.

دکتر حسینی‌فر استاد راهنمای دوم رساله نیز بر سابقه علمی و پژوهشی دانشجو و توانایی و توفیق ایشان در تبیین علمی موضوع رساله تأکید کرده و رساله را از نظر ارتباط میان موضوع اصلی و عناوین فصول آن دارای ساختاری منسجم دانسته و آن را در موضوع خود دارای دستاورد نظری بدیع و قابل توجه دانست.

دکتر ملکوتیان استاد راهنمای اول رساله ضمن تشکر از اساتید داور، با اشاره به برخی از موارد مطرح شده از سوی آنان، ساختار علمی و انسجام مباحث رساله را مطلوب و روش استنتاج رساله را مناسب دانست و دانشجو را در تبیین مبانی نظری امام خمینی و شاخصه‌های رفتار سیاسی ویو تفاوت امام با دیگر مراجع دینی و پیوند این مبانی و شاخصه‌ها با نیازها و مطالبات جامعه و تبیین مواضع امام در خلق حوادث و ایجاد شکاف میان مرجعیت شیعه و جامعه ایران با حکومت پهلوی و در نتیجه، فراهم کردن بستر برای مبارزه عمومی با حکومت و رهبری جامعه تا تحقق انقلاب و نظام اسلامی، موفق دانست.

حوزه پژوهش مورد نظر رساله خیلی گسترده است و در این رساله کار با ارزشی صورت گرفت. گستره و حجم منابع مورد مطالعه دانشجو بسیار زیاد است و مراجعه به این همه منابع و استفاده از آنها خیلی مهم است. این رساله می‌خواهد حقیقتی به نام انقلابی‌گری و این موضوع مهم را روشن کند که چرا از میان این همه جریان سیاسی و مراجع دینی، امام فقط توانست این نقش را ایفا کند.

استفاده از دیدگاه شهید مطهری برای تبیین نظری مباحث رساله با توجه به بحث فرد و جامعه و مدعای نظریه‌های دیگر در باره انقلاب، ضرورت داشته و به جا و شایسته بود. این رساله با توجه به سؤال اصلی و فرضیه آن می‌خواهد حقیقتی را در باره امام خمینی و انقلاب اسلامی در متن خود نشان دهد که در آثار دیگر بدین صورت مطرح نشده‌اند و دانشجو به خوبی از عهده این امر برآمده و نتیجه لازم را کسب کرد. اینها همه از ویژگی‌های این رساله هستند که آن را در نوع خود اثری قابل اعتنا می‌کنند.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته علوم سیاسی تشخیص دادند.



دفاعیه ایفا شفائی (دانشجوی دکتری زبانشناسی)

موضوع: اصول و پارامترهای مطابقه و حالت: رویکردی
کمینه‌گرا

استادان راهنما: دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر مصطفی
عاصی

استادان مشاور: دکتر فریده حق بین

استادان داور: دکتر شهین نعمت‌زاده، دکتر زهرا ابوالحسنی،
دکتر احمد صفارمقدم

این جلسه مورخ ۹۶/۱/۲۱ ساعت ۱۳:۰۰ با حضور هیأت داوران
رساله و برخی از دانشجویان و علاقمندان به مباحث نحوی
در حوزه زبانشناسی در سالن حکمت ساختمان اصلی پژوهشگاه
برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه، دکتر دبیرمقدم و دکتر عاصی به ضرورت و
دغدغه‌مند بودن این تحقیق تأکید نمودند و انجام آن را گامی به
جلو دانستند و همچنین فرصت مطالعاتی ای را که دانشجویان از
آن بهره‌برداری نموده بود، عامل موثری در غنای رساله دانستند.
این اساتید معتقد بودند که دانشجویان موشکافانه و با کوشش بسیار
به این تحقیق پرداخته است.

در ادامه دانشجویان در ۴۰ دقیقه ضمن ارائه رساله خود، در
خصوص مهمترین نکات طرح شده در رساله حاضر به بیان
نتایج و دستاوردهای رساله خود به شرح ذیل پرداخت:

در وهله نخست نتایج حاصل از بررسی رده شناختی از زبان‌های
تالشی، تاتی، و وفسی نشان می‌دهد که در اثر عوامل زمان،
گذرائی و مفعول نمائی افتراقی در زبانهای مذکور پنج رده از
انطباق که شامل انطباق فاعلی-مفعولی، کنائی- مطلق، دو
بخشی، سه بخشی و خنثی است دیده می‌شود. همچنین نظام
حالت و مطابقه در این زبانها دو بخشی است. در مرحله بعد
نشان داده شد که بر خلاف زبان‌های کنائی دوگانه زمان / نمود
محور عامل دوگانه شدن انطباق در این زبانها زمان یا نمود
معنائی نمی‌باشد، بلکه حضور ساختوازی ستاک گذشته موجب
این امر می‌باشد.

سپس نشان داده شد که حالت‌دهی و مطابقه فاعلی در بندهای
لازم و بندهای متعدی زمان حال در این زبانها با یکدیگر تعامل
و هیستگنی نشان می‌دهند و بنابراین این نظام در قالب فرآیند
تطابق (چامسکی ۲۰۰۰-۲۰۰۱) یا پارامتر حالت - وابسته به
زعم بیکر (۲۰۰۸) صورت‌بندی گردید.

در مرحله بعد به صورت بندی حالت‌دهی کنائی فاعل در
بندهای متعدی زمان گذشته پرداخته شد. با توجه به اینکه

ارزیابی خود از رساله پرداختند. ایشان با اشاره به کار سنگین در
این رساله، نکاتی را درخصوص ویرایش و یکدستی زبانی، ارجاعات
درون‌متنی بیان داشته و ضرورت بازنگری در بخش یادداشت‌ها را
یادآور شدند. ایشان همچنین در خصوص عبارات آلمانی مندرج در
رساله نظرانی عنوان داشته و پیشنهاداتی نیز ارائه نمودند.

دکتر ویدا نداف داور دوم مدعو خارجی نیز در ارائه نظرات و ارزیابی
خود از رساله با اشاره به کار سنگین و بزرگ رساله و تعداد بالای
دستنویس‌ها در این پژوهش، به ارائه برخی از مشکلات رساله از
جمله ضرورت تنظیم مقدمه‌ای در باب اسطوره مورد بررسی در این
رساله و نیز ارائه یک نتیجه‌گیری مفصل‌تر اشاره داشتند. ایشان
همچنین پیشنهادی مبنی بر ارائه تصاویر قطعه‌ها در پایان رساله
ارائه دادند.

دانشجو ضمن پذیرش اصلاحات مورد تأکید هیأت داوران، اظهاراتی
در دفاع از رساله خود بیان داشته و به ضرورت بازنگری در رساله
اذعان داشت.

دکتر کتابون مزدپور استاد مشاور رساله نیز در ارائه نظرات خود
بر ضرورت بازنگری در رساله به توجه به نکات مورد اشاره داوران
تأکید داشتند.

دکتر زهره زرشناس استاد راهنمای رساله نیز با تأکید بر سنگین
بودن کار رساله و تعداد بالای دستنویس‌های موجود و لزوم بررسی
آن‌ها در این رساله علی‌الخصوص در گفتار دوم یعنی بخش سغدی،
افزودن سرودهای سغدی به این مجموعه را گامی مهم و مثبت
دانست و ماحصل کار دانشجویان را منبعی ارزشمند برای دسترسی به
تمامی متون مربوط به این موضوع در یک منبع دانست.

دکتر زرشناس در پایان جلسه ضمن تشکر از همه اساتید داور و
مشاور، رساله دانشجویان را نیک ارزیابی کرده و اذعان داشتند که
دانشجو تلاش کرده است تا با ارائه و بررسی متونی گسترده در
موضوع مورد بحث، گامی در جهت شناخت بیشتر ادبیات مانوی
و سرودهای مانوی نفس زنده بردارد. دکتر زرشناس پژوهش را
حاوی نظرات و خوانش‌هایی جدید از متون دانست که انجام پاره‌ای
از اصلاحات مورد اشاره داوران می‌تواند به بهبود آن کمک نماید.
اصلاحاتی که مقرر شد دانشجویان در نسخه نهایی خود از رساله مدّ
نظر قرار دهد.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته
و با اعطای نمره ۱۹/۸۳ و درجه عالی به رساله دانشجویان، وی را
دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی
تشخیص دادند.

ستاک گذشته در این زبانها عامل دوگانه شدن انطباق می باشد نشان داده شد که پارامتر (ب) از حالتدهی وابسته، صورت بندی مناسبی برای حالتدهی کنائی در زبانهای مذکور می باشد.

در ادامه به صورت بندی حالتدهی مفعولی که تابعی از مفعول نمائی افتراقی می باشد پرداخته شد و نشان داده شد که حالتدهی وابسته صورت بندی مناسبی برای حالتدهی مفعولی در این زبانهاست زیرا در این زبانها مطابقه مفعولی دیده نمی شود. صورت بندی حالتدهی مفعولی در قالب حالتدهی وابسته منجر به طرح دو الگوی صوری از نظام حالت و مطابقه در زبانهای مذکور گشت که در یک الگو حالت دهی مفعولی با تثبیت پارامتر (الف) صورت بندی می گردد، لکن در الگوی دوم حالتدهی مفعولی با تثبیت پارامتر (ب) هم سو با حالت دهی کنائی صورت بندی می گردد. در نهایت الگوی دوم به دلیل اقتصادی تر بودن و جامعیت نظری به عنوان الگوی برتر در صورت بندی نظام حالت و مطابقه برگزیده شد.

در ادامه جلسه خانم دکتر نعمت زاده، داور مدعو خارجی رساله به نقد و ارزیابی رساله پرداختند. ایشان با تأکید بر روزآمد بودن و مسئله محور بودن رساله، به برخی از نقاط مبهم و ضرورت شفاف سازی و پالایش موضوعات در رساله پرداختند. ایشان یکی از نکات مورد نظر جهت بازنگری در رساله را بخش پیشگفتار می دانستند و اعتقاد داشتند که این بخش قالب پیشگفتار را ندارد و باید به گونه ای دیگر باشد. دکتر ابوالحسنی داور مدعو خارجی نیز در ادامه به ارائه ارزیابی خود از رساله پرداختند. ایشان با اشاره به کم حجم بودن فصل اول و حجیم بودن فصل دوم معتقد بودند که مناسب تر آن است که برخی از مفاهیم پایه که در فصل دوم توضیح داده شده است به فصل اول منتقل گردد. همچنین ایشان به وجود برخی اشکالات نگارشی در رساله نیز اشاره داشتند. همچنین برخی نکات در رساله برای ایشان مبهم بود که توسط دانشجو توضیح داده شد.

دکتر صفار مقدم داور دوم مدعو خارجی نیز در ارائه نظرات و ارزیابی خود از رساله به ارائه برخی از مشکلات نگارشی رساله اشاره داشتند و بر ضرورت پالایش بیشتر نکات نگارشی در رساله تأکید داشتند.

دکتر حق بین مشاور رساله نیز در ارائه نظرات خود رساله را خیلی قوی ارزیابی نمودند و به برخی پرسش ها جهت روشن تر شدن مطلب در رساله اشاره داشتند.

دانشجو ضمن پذیرش برخی از اصلاحات مورد تأکید هیات داوران، در دفاع از رساله خود اظهار داشت که هدف رساله حاضر تلاش برای بهره برداری از رویکردهای نظری مختلف و در نهایت دستیابی به یک مدل تحلیلی بود تا بتوان در آن قالب نظام حالت و مطابقه در زبانهای تالشی، تاتی، و وفسی را در چارچوبی کمینه گرا صورت بندی نمود.

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۲۰ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش آموخته مقطع دکتری رشته زبان شناسی تشخیص دادند.



دیدار نوروزی کارکنان پژوهشگاه

دیدار نوروزی کارکنان پژوهشگاه در روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین برگزار شد. در این دیدار صمیمی رئیس و اعضای هیأت رئیسه، ضمن تبریک سال نو به اعضای هیأت علمی و کارکنان پژوهشگاه برای آنها سالی سرشار از موفقیت و سلامتی آرزو کردند. همچنین دکتر قبادی در دیداری که روز چهاردهم فروردین با پرسنل اداره خدمات داشت، گفت: «ضمن تبادل نظر با جناب آقای دکتر ربانی‌زاده تصمیم گرفتیم از زحمات پرسنل عزیز اداره خدمات پژوهشگاه تجلیل به عمل آوریم. دلیل و فلسفه آن نیز این است که در برنامه‌ها و مناسبت‌های مختلف این دوستان زحمات زیادی را متحمل می‌شوند. بنابراین تصمیم گرفتیم سال جدید کاری و عیدمان را با این عزیزان پیوند بزنیم. ان شاء الله زحمت و اخلاصی که پرسنل اداره خدمات در عمل نشان می‌دهند، در آغاز سال جدید مایه خیر و برکت پژوهشگاه و خانواده‌های شما باشد.»

دکتر قبادی در خاتمه افزود: «دعا می‌کنم به حق محول الحال و الاحوال خداوند، حال همکاران پژوهشگاه و همه ملت ایران را به احسن الحال تبدیل کند.»







کارگاه آموزشی «مهارت‌های ده گانه زندگی»
مدت زمان دوره: ۴۰ ساعت (۱۰ جلسه ۴ ساعته) ۱۰ روز
زمان برگزاری: دوشنبه‌ها، ساعت ۹ تا ۱۳
تاریخ شروع: ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۹۶
هزینه ثبت نام: ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
اعضای هیأت علمی حوزه و دانشگاه، طلاب و دانشجویان و
ثبت نام کنندگان گروهی: ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کارگاه آموزشی

گروه پژوهشی فلسفه برای کودکان و نوجوانان (فبک) پژوهشگاه اخلاق و تربیت
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

آشنایی با ویژگی‌ها و مولفه‌های داستان‌های برنامه فبک و راهنمای آنها

دکتر سعید ناجی، دکتر روح‌الله کریمی، دکتر لیلا حبیبی
برپایه فبک و داستان‌ها و برنامه فبک، آشنایی با داستان‌ها و برنامه فبک، بررسی نمونه‌هایی از داستان‌های فبک (ترجمه شده)
پروسی سرلوحه‌ای از داستان‌های فبک (تالیفی و اقتباسی) راهنمای داستان‌های فبک، تقریر و توانمندسازی جریان برای تهیه محتوا
با هدف افزایش دانش نظری درباره داستان‌های فبک، ارتقای مهارت‌های انتخاب داستان برای کارهای فبک، تقریر و توانمندسازی جریان برای تهیه محتوا
شرکت در این دوره برای گروه‌های ذیل مفید است:
داستان‌نویسان حوزه فرهنگ شامل دانشجویران، محققان، کارکنان و علاقه‌مندان حوزه‌های ادبیات داستانی و نویسندگان
معلمان در حوزه برنامه فبک، افرادی که دوره‌های تربیت مربی دیده‌اند.
شرکت در این دوره برای شاسی، متخصصان و علاقه‌مندان علوم انسانی پلاست است.
مدت زمان دوره: ۱۲ ساعت (۶ جلسه ۲ ساعته) ۲ روز
زمان برگزاری: روز چهارشنبه و پنج‌شنبه ساعت ۸:۳۰ تا ۱۶ تاریخ برگزاری: ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ۹۶
هزینه ثبت نام: ۱/۷۰۰/۰۰۰ ریال
اعضای هیأت علمی حوزه و دانشگاه، طلاب و دانشجویان، همکاران و ثبت نام کنندگان گروهی: ۱/۷۰۰/۰۰۰ ریال
شماره کارت مرکز: ۵۸۲۶۱۱۱۳۴۴۸۲۵۶ بانک سپه به نام حبیب صحرانی خامس
به شرکت کنندگان گواهینامه معتبر داده خواهد شد که ارزش علمی و اداری دارد.
این گواهینامه قابل ترجمه و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.
علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی www.ihcs.ac.ir مراجعه کنند.
تلفن مشاوره و ثبت نام: (در ساعت اداری) ۸۲۲۳۸۱۱ مرکز دائم عیدهای
نشانی: تهران - بزرگراه کریمخان - نبش خیابان دکتر سادات گنیه وند (۳۱ غربی) - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز آموزش‌های تخصصی کاربردی علوم انسانی
کالای تلگرام مرکز: @ihcss
مرکز آموزش‌های آزاد تخصصی علوم انسانی

پژوهشگاه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

مهارت‌های ده گانه زندگی (Life Skills)

**دکتر مهرنوش هدایتی (هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و
دکتر اسماعیل ناصری (هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)**

خودآگاهی، ارتباطات اثربخش، روابط بین فردی، همدلی، تصمیم‌گیری، حل مساله
تفکر خلاق، تفکر انتقادی، کنترل امین با استرس، مدیریت هیجان‌ها
با هدف افزایش دانش نظری و آشنایی با مهارت‌های ده گانه زندگی و شیوه کاربردی آنها در زمینه‌های گوناگون زندگی روزانه
شرکت برای علاقه‌مندان به بهبود مهارت‌های زندگی و همچنین کلیه دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های روانشناسی و مشاوره و مدیریت است
شرکت در این دوره برای تمامی متخصصان و علاقه‌مندان علوم انسانی پلاست است.
مدت زمان دوره: ۴۰ ساعت (۱۰ جلسه ۴ ساعته) ۱۰ روز
زمان برگزاری: روز دوشنبه‌ها، ساعت ۹ تا ۱۳ تاریخ شروع: ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۹۶
هزینه ثبت نام: ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
اعضای هیأت علمی حوزه و دانشگاه، طلاب و دانشجویان و ثبت نام کنندگان گروهی: ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
دانشجویران و همکاران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال
شماره کارت مرکز: ۵۸۲۶۱۱۱۳۴۴۸۲۵۶ بانک سپه به نام حبیب صحرانی خامس
به شرکت کنندگان گواهینامه معتبر داده خواهد شد که ارزش علمی و اداری دارد.
این گواهینامه قابل ترجمه و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.
علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی www.ihcs.ac.ir مراجعه کنند.
تلفن مشاوره و ثبت نام: (در ساعت اداری) ۸۲۲۳۸۱۱ مرکز دائم عیدهای
نشانی: تهران - بزرگراه کریمخان - نبش خیابان دکتر سادات گنیه وند (۳۱ غربی) - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز آموزش‌های تخصصی کاربردی علوم انسانی
کالای تلگرام مرکز: @ihcss
مرکز آموزش‌های آزاد تخصصی علوم انسانی

**کارگاه آموزشی «آشنایی با ویژگی‌ها و مولفه‌های
داستان‌های برنامه فبک و راهنمای آنها»**
مدت زمان دوره: ۱۲ ساعت (۶ جلسه ۲ ساعته) ۲ روز
زمان برگزاری: روزهای پنجشنبه و جمعه، ساعت ۸/۳۰ تا ۱۶
تاریخ برگزاری: ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۹۶
هزینه ثبت نام: ۱/۷۰۰/۰۰۰ ریال
اعضای هیأت علمی حوزه و دانشگاه، طلاب و دانشجویان،
همکاران و ثبت نام کنندگان گروهی: ۱/۴۰۰/۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: سمانه خودچیانی، محسن باباخانی، شهرام اصغری

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

کانال تلگرام @ihcss